

ضد کودتا

جین شارپ و بروس جنکینز

انستیتو آلبرت انشتین

ترجمه: مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی خشونت

هدف انستیتو آلبرت انشتین

هدف انستیتو آلبرت انشتین کمک به مطالعه و استفاده استراتژیک از شیوه های پیکار خشونت پرهیز در سراسر جهان است. انستیتو به این اصول متعهد است:

. پشتیبانی از آزادی ها و نهادهای دموکراتیک
. مخالفت با سرکوب، دیکتاتوری و کشتار جمعی
. کاهش استفاده از خشونت به مثابه ابزار حکومت
انستیتو برای دستیابی به این اهداف

از شیوه های زیر استفاده می کند:
. تشویق پژوهش پیرامون شیوه های مبارزه خشونت پرهیز و استفاده عملی که از این شیوه ها در پیکارهای خشونت پرهیز گذشته شده است

. در اختیار مردم قرار دادن نتیجه این پژوهش ها از طریق چاپ، برپایی کنفرانس و انتشار رسانه ای
مشورت با گروه های در حال پیکار پیرامون امکانات بالقوه مبارزه خشونت پرهیز.

انستیتو آلبرت انشتین

۴۲۷ خیابان نیوبری

آمریکا ۱۸۰۲۰۲۱۱۵ بوستون، ام ای

مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی خشونت یک مرکز مجازی است که شبکه ای برونمرزی شامل پژوهشگران، مترجمان، نویسندگان و کوششگران مدنی در آن گرد آمده اند. هدف مشترک این گروه ترویج و آموزش کنش بی خشونت به عنوان مؤثرترین راه برای ایجاد تغییر اجتماعی است.

ضد کودتا

استفاده از این کتاب برای همگان آزاد بوده و بازتولید آن منوط به اجازه نویسندگان آن (جین شارپ و بروس جنکینز) نیست. در صورت بازچاپ قسمت(هایی) از این کتاب یا نقل قول از آن، لطفن منبع را ذکر کنید.

انستیتو آلبرت انشتین

خیابان نیوبری ۴۲۷ خیابان نیوبری

۱۸۰۲۰۲۱۱۵ بوستون، ام ای، آمریکا

تلفن: ۶۱۷۲۴۷۴۸۸۲

نشانی الکترونیکی:

einstein@igc.org

پایگاه اینترنتی:

www.aeinstein.org

شابک: ۱۸۸۰۸۱۳۱۱۴

فهرست مطالب

۱	ضد کودا
۲	کودتا چگونه عمل می کند؟
۳	احتمال رخ دادن کودتا در چه زمانی بیشتر است؟
۴	پشتیبانی از کودتا
۵	تلاش برای جلوگیری از کودتا
۶	کودتاهایی که شکست خورده اند
۶	آلمان
۷	فرانسه
۸	اتحاد شوروی
۱۰	دفاع ضد کودتایی
۱۱	توطئه گران قصد دارند
۱۱	دفاع مستقیم از جامعه
۱۲	نیاز به آماده سازی
۱۳	هدف دفاع مدنی
۱۳	مقاومت: عمومی و سازمان یافته
۱۴	اهمیت استراتژی
۱۵	جنگ افزارهای ضد کودتایی
۱۶	راهنمای مقاومت عمومی
۱۷	نحوه رفتار با سربازان و کارگزاران کودتا
۱۸	مقابله با حمله: کارشکنی و ارتباطات
۱۸	مقابله با حمله: انکار و رد
۱۹	جلوگیری از قدرت گیری توطئه گران
۲۰	مقابله با سرکوب و ارباب
۲۰	اهمیت انضباط خشونت پرهیز
۲۱	پشتیبانی جهانی
۲۲	تغییر استراتژی هنگام مبارزه
۲۲	پیروزی پایدار
۲۳	اگر به دفاع طولانی مدت نیاز افتاد
۲۴	تلاشی کودتا
۲۴	جلوگیری از وقوع کودتا
۲۵	ترویج دفاع ضد کودتایی

۲۵	به کارگیری دفاع ضد کودتایی
۲۵	آماده سازی به وسیله نهادهای مدنی
۲۷	آماده سازی از طرف دولت
۲۷	وضع قانون و طرح های دیگر برای تجهیز دفاع ضد کودتایی
۲۸	سایر شکل های آماده سازی
۲۸	دست آورد دفاع ضد کودتایی
۳۰	پیوست یک وضع قانون و سایر آماده سازی های دولتی برای مقابله با کودتا
۳۲	پیوست دو آماده سازی به وسیله جامعه مدنی برای دفاع ضد کودتایی
۳۲	۱. آموزش عمومی
۳۲	۲. رسانه ها
۳۳	۳. احزاب و سازمان های سیاسی
۳۳	۴. نهادهای مذهبی
۳۳	۵. گروه ها و نهادهای دیگر
۳۴	قدردانی و سپاس
۳۵	نکته ای پیرامون برگردان و بازچاپ این کتاب

ضد کودتا

پشتیبانان دمکراسی سیاسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی به خوبی از خطرات کودتا آگاهند. کودتا یا قبضه ناگهانی قدرت سیاسی با تناوب هر چه بیشتری در دهه های اخیر به وقوع پیوسته است. کودتاها سیستم های متکی به قانون اساسی را سرنگون کرده، تلاش برای رسیدن به دمکراسی را با وقفه مواجه ساخته و رژیم های استبدادی و بی رحمی را بر اریکه قدرت نشاندند. کودتا از اصلی ترین ابزار استقرار دیکتاتوری به شمار می رود و می تواند موجب جنگ داخلی و بحران بین المللی شود. کودتا کماکان از مشکلات اصلی دفاعی به شمار می رود.

کودتا^۱ قبضه سریع و غیرقانونی قدرت سیاسی به وسیله گروهی توطئه گر است که از خشونت یا تهدید به خشونت برای رسیدن به هدف سود می برند. اینان اعضای دولت پیشین را به زور و برخلاف میل و اراده شان عزل می کنند. گروه کودتاگر به سرعت مراکز فرماندهی، تصمیم گیری و اداری را اشغال کرده و به جایگزین کردن مدیران و فرماندهان با افراد مورد اعتماد خود می پردازد. به این ترتیب اینان ماشین دولتی را مهار می کنند.

کودتاهای موفق در ظرف مدت کوتاهی، معمولن چهل و هشت ساعت، قدرت را قبضه می کنند. در دهه های اخیر کودتا در کشورهای مختلف و تقریباً در همه مناطق جهان رخ داده است. این کشورها شامل تایلند، برمه، فیلیپین، برزیل، چکسلواکی، غنا، لیبیا، شیلی، فیجی، یونان، لیبی، لائوس، گواتمالا، آرژانتین، گرانادا، لهستان و اتحاد شوروی می شود. در کشورهای مستقل آفریقایی در دوران پسااستعماری کودتاها با شدت بسیاری رخ داده اند. اولین این کودتاها در سال ۱۹۶۶ در غنا به وقوع پیوست و دولت رییس جمهور قوام نکرومه را سرنگون کرد. در تایلند در فاصله سال های ۱۹۵۱ و ۱۹۷۶ پنج کودتا رخ داد و رشد دمکراسی را با دشواری جدی روبرو ساخت. در لیبی معمر قذافی در سال ۱۹۶۹ با کودتایی به قدرت رسید دولت آینده در شیلی در نتیجه کودتایی در سال ۱۹۷۳ سرنگون شد. کودتای ۱۹۶۴ در برزیل دولتی خودکامه و استبدادی را سالیان سال بر آن کشور مسلط کرد. کودتای ۱۹۸۲ در گواتمالا (که به فاصله کوتاهی یک کودتای دیگر را به دنبال آورد) ژنرال بازنشسته، ریوس مات، را به قدرت رساند. اعلام شرایط فوقالعاده در سال ۱۹۸۱ در لهستان و به روی کار آمدن ژنرال یاروزلسکی تا جنبش مستقل همبستگی را سرکوب کند و کودتای ناموفق ۱۹۹۱ در اتحاد شوروی از جمله معرفترین نمونه های کودتا در چند دهه گذشته به شمار می آیند. کودتا و تلاش برای انجام کودتا همچنان ادامه دارد.

۱. در این کتاب از واژه های کودتا و توطئه به یک معنی استفاده شده است.

برخی نویسندگان به این نکته اشاره کرده اند که در تاریخ معاصر، کودتا و نه انتخابات "ابزار عمده تغییر حکومت بوده است" و در آفریقا "کودتای نظامی به شیوه نهادینه شده تغییر حکومت بدل گشته است."^۲ برخی خاطرنشان کرده اند که هرچند امروزه کودتاها با شدت و تناوب کمتری به وقوع می پیوندند اما این کاهش می تواند تنها موقتی بوده و کشورهای که سال ها در جلوگیری از کودتا موفق بوده اند همچنان می توانند در مقابل آن آسیب پذیر باشند.^۳ در دنیای امروز نیرو و سرمایه هنگفتی صرف آمادگی برای مقابله با تعرض بیگانگان می گردد ولی هیچ اقدامی در راه مقابله با کودتا به مثابه خطری داخلی صورت نمی گیرد. موعد پرداختن به این مهم دیری است که فرا رسیده است.

کودتا چگونه عمل می کند؟

اولین گام برای قبضه قدرت سیاسی و در اختیار گرفتن مراکز فرماندهی و کارگزاری، اقدام علیه اعضا و کارمندان دولت پیشین است. این اقدام با تصرف ساختمان های دولتی، مراکزهای نظامی و انتظامی، و ارتباطاتی و حمل و نقل تکمیل می شود. کودتاها باید به سرعت اتفاق بیافتد و به همین دلیل نیازمند طرح و نقشه ای سری هستند.

کودتاها معمولن به وسیله گروهی از نظامیان ناراضی هدایت می شوند. در این راه اینان یا به تنهایی و یا همدست با برخی جریه های سیاسی، سازمان های اطلاعاتی (داخلی یا بیگانه) و نیروهای انتظامی عمل می کنند. در مواقعی کودتا غصب قدرت به وسیله مقام های دولتی است: یکی از سران حکومتی (نخست وزیر یا رئیس جمهور به عنوان نمونه) به دروغ ادعا می کند که کشور در موقعیتی خطرناک قرار دارد و با این بهانه قانون اساسی را ملغا کرده و رژیمی استبدادی برپا می کند.^۴ گاهی کودتا به وسیله یک گروه استبداد طلب سیاسی هدایت می شود. این گروه ممکن است از پشتیبانی یک نیروی نظامی وابسته به خود برخوردار باشد. کودتا همچنین ممکن است به وسیله بخشی از نیروهای حکومتی که از پشتیبانی بخش های دیگری برخوردارند سازمان داده شود. برای موفق شدن، کودتا باید کاری کند که مردمی که در آن شرکت ندارند، از آن هواداری کرده یا بی طرف باقی بمانند (یا اگر بی طرف نیستند تاثیری بر روند اجرای آن نگذارند). به دلیل ماهیت توطئه گرانه و کهن خود، کودتا در نقطه مقابل انقلاب مردمی قرار دارد (هرچند کودتاچیان گاه اقدام خود را "انقلاب" می نامند).

در مرحله آغازین، کودتا از توانایی ها و امکانات آن بخش هایی از سازمان دولتی که مهار کرده (یا می داند که مهار خواهد کرد) برای مقابله با سایر بخش ها استفاده می کند. معمولن سایر بخش های دولتی به سادگی تسلیم می شوند. علت می تواند

۲. برای نمونه نگاه کنید به کتاب رزماری اوکین به نام احتمال وقوع کودتا (منتشر شده به وسیله آلدرشات، انگلستان، آوبری ۱۹۸۷)، صفحه یک در کتاب استیون آر. دیوید به نام دفاع از رژیم های جهان سوم در مقابل کودتا (منتشر شده به وسیله لانهم، مری لند، یونیورسیتی پرس آو آمریکا، ۱۹۸۵)، صفحه چهارم در کتاب کریگ جنکینز و آگوستین کپوسوا به نام خواستگاه سیاسی کودتای نظامی در آفریقا: رقابت قومی، مرکزیت نظامی و مبارزه برای حکومت پسااستعماری در فصلنامه مطالعات بین المللی (۱۹۹۲)، شماره ۳۶، صفحه ۲۷۱ و ۲۷۲، کتاب استیون دیوید به نام کودتا در جهان سوم و امنیت جهانی (منتشر شده به وسیله بالتیمور و لندن: جان هاپکینز یونیورسیتی پرس، ۱۹۸۷، صفحه ۲ و کتاب استیون دیوید به نام رقابت ابرقدرت ها برای تاثیرگذاری در جهان سوم، منتشر شده در ضرورت های استراتژیک: سیاست های تازه برای امنیت آمریکا (کمبریج، ماساچوست: بالینجر، ۱۹۸۲)، صفحه ۲۳۶. نقل قول ها به ترتیب از کتاب اوکین، احتمال کودتا (صفحه یک) و کتاب جنکینز و کپوسوا، خواستگاه سیاسی کودتای نظامی در آفریقا (ص ۲۷۱)، برگرفته شده اند.

۳. دیوید، کودتا در جهان سوم و امنیت جهانی، ص ۱۵۳-۱۵۴ و اوکین، احتمال کودتا، ص ۱۳۵.

۴. اقدامات اضطراری واقعی موقتی بوده و بعد از حل بحران به سرعت ساختارهای مبتنی بر قانون اساسی را احیا می کند. این اقدامات کودتا محسوب نمی شوند.

گمان اینان به برخورداری کودتا از پشتیبانی مردمی باشد. علت های دیگری مانند عدم رضایت کامل این بخش ها از سیاست های دولت سرنگون شده، موافقت آنان با توطئه گران و یا احساس استیصال و بی قدرتی نیز می تواند در کار باشد.

کودتاچیان معمولن خواستار آسیب ندیدن دستگاه اداری، سازمان های مدنی، ارتش، نهادهای دولتی و انتظامی هستند. قصد اینان مهار کردن این سازمان ها و نهادها است. رژیم کودتا ممکن است نظامی، نیمه نظامی یا غیرنظامی باشد. دولت تحت اختیار کودتاچیان در صورت لزوم علیه بخش هایی از جامعه که پذیرای کودتا نیست، به کار گرفته خواهد شد.

احتمال رخ دادن کودتا در چه زمانی بیشتر است؟

رخ دادن کودتا در برخی کشورها مانند نروژ یا سوئیس غیرقابل تصور است. شرایط خاصی موجب پیشگیری از وقوع کودتا در این کشورها می شود. کشوری که به روندهای دموکراتیک پایبند است و از این روندها برای حل صلح آمیز اختلاف ها، تغییر دولت و بازخواست مقام های دولتی استفاده می کند، در معرض خطر کودتا قرار ندارد. اگر نیروهای بالقوه کودتاگر (مانند ارتش) به دموکراسی و روندهایش باور داشته باشند و محدودیت های مربوط به حیطه اقتدار خود را بپذیرند، کودتا را عملی نادرست دانسته و به احتمال قوی به آن دست نخواهند زد. ساختار جامعه از عوامل دیگری است که در تعیین احتمال کودتا نقش بازی می کند. اگر نهادهای مدنی و غیردولتی قوی باشند و به صورتی دموکراتیک اداره شوند و در مقایسه با آنان، سازمان های نظامی و احزاب ضد دموکراتیک قدرت کمتری باشند احتمال وقوع کودتا اندک خواهد بود. اگر در جامعه توازن نسبی برقرار باشد احتمال وقوع کودتا اندک خواهد بود. چنین توازنی البته همه جا وجود ندارد و برای مقابله با کودتا ضروری نیست. مهم این است که معضلات داخلی شدید نباشد و بشود آن ها از طریق روندهای نهادینه شده مسالمت آمیز حل کرد. حتی اگر مشکلات داخلی حاد باشند، مادامی که نیروهای درگیر، از روندها و شیوه های خشونت پرهیز استفاده می کنند احتمال وقوع کودتا اندک خواهد بود. در کشورهایی که سیاستمداران صادقانه به میهن خود خدمت می کنند و از فساد می پرهیزند، "توجیه" کمتری برای کودتا وجود دارد. زمانی که خلاف این عمل می شود اما جامعه در مقابل کودتا آسیب پذیر می گردد.

بنیان سیستم سیاسی ممکن است سست باشد. دولت ممکن است به مثابه سازمانی ناروا قلمداد شود و مردم از کارایی و نحوه عمل آن راضی نباشد. دولت حتی ممکن است به بی کفایتی و فساد و ندانم کاری در دوران بحران متهم باشد و اعتمادی به روندهای دموکراتیک برای حل مشکلات جامعه وجود نداشته باشد. ممکن است هیچ روند پذیرفته شده دموکراتیکی برای تغییر و جایگزینی دولت در کار نباشد. نهادهای مدنی و غیردولتی جامعه - که نهادهایی داوطلبانه هستند و شامل احزاب سیاسی، نهادهای مستقل آموزشی، نهادهای مذهبی، اتحادیه های تجاری و تشکیلات اینچنینی می شود ممکن است ضعیف بوده یا وجود نداشته باشند. از این ها گذشته مردم ممکن است نقش مهمی در روندهای سیاسی جامعه خود بازی نکنند. اگر اینطور باشد هیچ گروه و نهادی نخواهد توانست در مقابل کودتا بایستد و آن را در هم بشکند. جامعه ممکن است درگیر با خشونت های جدی باشد. ناآرامی های وخیم، مشکلات حاد اقتصادی، درگیری های تند سیاسی، و خشونت داخلی می تواند موجب شود که مردم پذیرای کودتا شوند چرا که وعده "نظم و امنیت" می دهد. شرایط نامساعد اقتصادی در ترکیب با مشکلات سیاسی، جامعه را در مقابل کودتا آسیب پذیر می کند. برخی صاحب نظران بر این باورند که عدم تنوع صادراتی و وابستگی بیش از حد به بازار متغیر جهانی می تواند موجب بوجود

آمدن شرایط مساعدی برای کودتا شود.^۵

گاهی افراد، گروه‌ها، احزاب استبدادی یا محافل نظامی ممکن است تنها به دلیل قدرت طلبی و زیاده خواهی تصمیم به قبضه قدرت بگیرند و این کار را تحت لوای اهداف عالی (یا حتا بدون بهانه قرار دادن آن) انجام دهند.^۶

شرایط نامطلوب لزومن موجب کودتا نمی شود. حتا زمانی که شرایط برای کودتا مساعد به نظر می رسد و توطئه گران با ناشکیبایی در پی فرصتی برای قبضه قدرت می گردند، ممکن است کودتایی به وقوع نپیوندد. علت این امر همانا واهمه کودتاجیان از شکست است. این واهمه می تواند دلایل چندی داشته باشد، از جمله این احتمال که پرسنل نظامی و پلیس و کارمندان اداری از کودتا حمایت نکرده و در مقابل آن مقاومت کنند و یا نهادهای مستقل و قدرتمند جامعه در مقابل کودتا بایستند. این معترضان احتمالی می توانند تاثیر بازدارنده ای بر تصمیم کودتاجیان به قبضه قدرت داشته باشد.

اگر احتمال اعتراض جامعه به کودتا زیاد باشد، به احتمال زیاد کودتایی رخ نخواهد داد. کودتاجیان باید اول مطمئن شوند که در صورت قبضه قدرت، مخالفت احتمالی با آنان از طرف بخش اداری حکومت و مردم اندک خواهد بود. در جوامعی که مردم به لحاظ سیاسی مطلع، فعال و تاثیرگذارند چنین "اطمینانی" را نمی توان حاصل کرد.^۷

پشتیبانی از کودتا

شرط لازم برای موفقیت کودتا این است که مردم فکر کنند نیروهای کودتاگر از دیگر نهادها و نیروهای جامعه قوی ترند. به بیان دیگر این تصور باید وجود داشته باشد که جامعه مدنی ضعیف تر از ارتش است. متأسفانه طی دهه های گذشته در بسیاری کشورها ارتش به قوی ترین نهاد در جامعه تبدیل شده و به کرات به اقدام علیه جامعه و مردمی دست زده که که وظیفه دفاع از آنان را به عهده داشته است. اگر وفاداری سربازان ارتش به فرماندهان و مافوقان خود بیشتر از وفاداریشان به دولت دموکراتیک باشد، احتمال وقوع کودتا بیشتر می شود. اگر کودتا قبضه قدرت به وسیله برخی مقامات اجرایی کشور باشد (چیزی که به آن "کودتای خودی"^۸ هم می گویند)، نیروهای کودتا، یعنی آن بخشی از دولت و ارتش که قصد قبضه قدرت را دارند، باید قوی تر از نهادهای مدنی در جامعه باشند.

کودتا همچنین ممکن است به وسیله یک حزب متشکل سیاسی با نیروی نظامی وابسته به خود صورت بگیرد. هواداران چنین حزبی گاه مرکز فعالیت خود را وزارتخانه های اصلی دولت ائتلافی قرار می دهند و یا با پشتیبانی موثر بخشی از ارتش و نیروهای انتظامی عمل می کنند. برای موفقیت، چنین حزبی باید از نیروهای مخالف کودتا توانایی عمل بیشتری داشته باشد. برخی وقت ها نمایندگان دولت های خارجی نیز به کودتاگران کمک می کنند.

در جریان کودتا پشتیبانان آزادی سیاسی معمولن سکوت اختیار کرده و یا منفعلانه به قوانین تحمیلی کودتا گردن می نهند.

۵. به اوکین مراجعه کنید: احتمال وقوع کودتا و برای نظری مخالف، کتاب جنکینز و کپوسوا را بخوانید: خاستگاه سیاسی کودتای نظامی در آفریقا.

۶. برای کسب اطلاع پیرامون شش گونه کودتای نظامی در جهان سوم که بر پایه انگیزه و انگیزه طبقه بندی شده به کتاب کودتا در جهان سوم و امنیت جهانی (منتشر شده به وسیله بالتیمور و لندن: جان هاپکینز یونیورسیتی پرس، ۱۹۸۷، ص ۱۳-۱۶) مراجعه کنید.

۷. دیوید: دفاع از رژیم های جهان سوم در مقابل کودتا، ص ۴ و ۵

۸. این اصطلاح از واژه "آوتوگولپ" در زبان اسپانیایی وام گرفته شده است، واژه ای که برای توصیف کودتاها در آمریکای جنوبی در دهه ۹۰ به کار می رفت.

موفقیت کودتا به این معنی نیست که مردم از آن حمایت کرده اند. مردم ممکن است به واقع مخالف کودتا باشند ولی ندانند که چه باید بکنند. ایده جنگ داخلی علیه نیروهای ارتشی و هم پیمانانشان- جنگی که در آن نیروهای دمکراتیک بی تردید بازنده خواهند بود- نظر مساعد اندکی را به خود جلب می کند. بیشتر پشتیبانان قانون اساسی و عدالت اجتماعی راه دیگری به جز این جنگ نمی شناسند. بدون آمادگی جدی برای مقابله با کودتا و خطراتش، سیستم دمکراتیک پایداری برقرار نخواهد شد و این به ویژه شامل کشورهایی می شود که سابقه کودتا دارند. حتی در کشورهایی که موفق به ایجاد یک سیستم سیاسی نسبتن دمکراتیک شده اند، داشتن برنامه ای مشخص برای مقابله با کودتا ضروری است. این کار را باید علاوه بر ادعای نیروهای بالقوه کودتاگر به بی طرفی و دلسوزی کرد.

تلاش برای جلوگیری از کودتا

ناگفته روشن است که جلوگیری از وقوع کودتا بهتر از مقابله با آن پس از وقوع است. به همین دلیل یکی از نکته های اساسی، چگونگی جلو گرفتن از کودتاست. در بسیاری دمکراسی ها این تصور وجود دارد که اگر قانون اساسی کودتا را ممنوع کرده باشد کودتایی رخ نمی دهد. چنین تصویری بی تردید خطاست. در گذشته برخی دمکراسی ها علاوه بر داشتن قوانین مشخص و روشن ضد کودتایی، قربانیان کودتا بوده اند. وجود چنین قوانینی بی تردید ضروری است. اما این قانون ها نباید به مثابه ابزار کارایی برای مقابله با کودتا تلقی شود.

کودتاها را نیروهایی به مرحله عمل درمی آورند که راغب و راضی به نقض قانون اند. مهم فقط داشتن قوانین ضد کودتایی نیست. مهم این است که بتوان این قوانین را اجرا کرده و به مرحله عمل درآورد. افراد یا گروه هایی که حاضر به قتل اعضای دولت به منظور دستیابی به اهداف خود هستند باکی از زیر پا گذاشتن قانون اساسی و مواد ضد کودتایی اش ندارند. دسته های نظامی کودتاگر را نمی توان با رجوع به قانون اساسی از انجام نقشه های خود بازداشت. گروههای متشکل سیاسی که خود را ناجیان مردم و سازندگان آینده آید آید آل آنان می دانند تلاش خواهند کرد که هر مانعی را در سر راه دستیابی به مقاصدشان از پیش پا بردارند. تلاش برای از میان برداشتن نابسامانی های اجتماعی مهم اما ناکافی است. این نابسامانی ها می تواند دلیل یا بهانه کودتاچیان برای قبضه غیرقانونی قدرت باشد.

محکومیت ها و تحریم های جهانی تاثیر اندکی بر کودتاچیان^۹ دارند. آن ها نه کودتاچیان را از دست زدن به کودتا باز می دارند و نه در صورت وقوع کودتا، آن را شکست می دهند. این اقدام ها در بهترین حالت می توانند به نیروهای داخلی ضد کودتا کمک کنند تا در مقابل کودتاگران بایستند. در مواردی دولت های خارجی از کودتاچیان حمایت می کنند. به عنوان نمونه، دولت آیالات متحده آمریکا در موارد چندی به طرح ریزی و انجام کودتا در کشورهای مختلف جهان کمک کرده است. در چنین مواردی، بی تردید، به ابزار بیشتری برای مقابله با کودتا نیاز هست. تلاش ما در این کتاب نشان دادن این نکته

۹. فراموش نکنیم که در مواردی مداخله جهانی می تواند موجب پیشگیری از کودتا یا شکست آن بشود. این به ویژه در صورتی ممکن است که مداخله به حمله نظامی منجر شود (مانند حمله نظامی آمریکا به گرانادا در سال ۱۹۸۳). نکته اما این جاست که این موارد استثنایند و تنها در صورت خارج کردن مهار اوضاع از دست مردم به موفقیت می رسند. کشورهایی مانند آمریکا (یا هر ابرقدرت دیگری) که به مداخله نظامی برای جلوگیری از وقوع یا شکست کودتا بپردازد دچار مشکلاتی گاه عیدیه خواهد شد. متاسفانه می توان این مشکلات را به راحتی نادیده گرفت. استیون دیوید می گوید: "مشکل، حمایت از رژیم های دوست در برابر کودتا نیست. مشکل، حفاظت از رهبری پیشین در هنگام وقوع کودتا است". رقابت ابرقدرت ها برای نفوذ در جهان سوم. ص ۲۴۲

است که دستیابی به و استفاده از چنین ابزاری ممکن ولی منوط به داشتن سیاست دفاع ضد کودتایی ست. چنین سیاستی نه تنها قادر به شکست کودتا خواهد بود که می تواند به عنوان ابزاری برای پیشگیری از وقوع آن مورد استفاده قرار بگیرد. چون کودتاها معمولن موفق بوده اند، این تصور غلط وجود دارد که مقابله با کودتا ممکن نیست. سردرگمی و احساس استیصال مردم همراه با نبود برنامه مشخص برای مقابله با کودتا می تواند شرایط پیچیده ای را به وجود آورد. این البته تا حدودی طبیعی است: وقتی که کودتا به وسیله ارتش - یعنی نیرویی که مسئول حفظ امنیت در جامعه است و نمی توان علیه آن به نیروی نظامی متوسل شد- پشتیبانی می شود، اضطراب و یاس در بین مردم شدت می گیرد.

کودتاهایی که شکست خورده اند

مشکل مقابله با کودتا ممکن است حل ناشدنی به نظر رسد. اما در عمل بوده اند کودتاهایی که شکست خورده اند. این موارد بسیار جالب توجه هستند. در مواردی کودتاها به این علت شکست خورده اند که پرهیز از همکاری مردم و جامعه با کودتاچیان، پیوند میان مهار فیزیکی دولت و مهار سیاسی آن را از هم گسسته است. در چنین مواردی، کارمندان اداری، بوروکرات ها، گروه های نظامی و ماموران دولتی از همکاری با نیروهای کودتا سرباز زده و به آن ها اجازه نداده اند که سیستم حکومتی را مهار کنند. به این ترتیب کودتا در نتیجه گسست پیوند میان مهار مکانیسم های فیزیکی قدرت و مهار جامعه (که شامل نهادهای مستقل اجتماعی و مراکز استانی و شهرستانی قدرت می شود) در هم شکسته است. توطئه گران به خطا گمان می برند که مهار سازمان های حکومتی همان مهار جامعه است. ولی بدون همکاری فرمانبردارانه همه بخش های جامعه، کودتا نمی تواند دولتی پایدار تشکیل دهد.

شکست کودتای بنیادگرایان در اتحاد شوروی در اوت ۱۹۹۱ نتیجه پرهیز گسترده از همکاری مردم با نیروهای کودتا بود. نمونه های مهم و معاصر دیگر شامل شکست کودتای سال ۱۹۲۰ علیه جمهوری وایمار در آلمان و کودتای ۱۹۶۰ فرانسه (علیه دولت دوگل-دبری) به وسیله ژنرال های فرانسوی در الجزایر می شود. در این موارد و موارد اندک دیگری، شکست کودتا نتیجه همکاری خشونت پرهیزانه مردم با کودتاچیان بوده است. فقط در موارد معدودی مانند کودتای ۱۹۹۱ در شوروی، جامعه جهانی واکنش شدیدی نشان داد و تهدید به برداشتن گام های خصمانه اقتصادی و دیپلماتیک کرد یا در عمل چنین گام هایی برداشت.

آلمان ۱۹۲۰^{۱۰}

در دوازدهم مارچ ۱۹۲۰، واحدهای غیررسمی فریکورپس، شامل نظامیان و غیرنظامیان سابق، در کودتایی برلین را اشغال کردند. کودتا به وسیله دکتر وولفگانگ کاپ و ژنرال والتر ون لوتویترز سازمان داده شده بود. هدف آنان برپایی یک سیستم استبدادی بود که به وسیله "متخصصان" هدایت شود. ارتش آلمان بی طرف باقی ماند. اعضای دولت قانونی آلمان تحت رهبری رییس جمهور فردریک ابرت از پایتخت گریختند. در این شرایط و در نبود هر گونه مقاومتی، کودتا، علاوه بر ساختار بد سازمانی -

۱۰. منابع اطلاعاتی ما این کتاب ها بوده اند: ویلفرید هریس: اعتصاب سراسری (چپل هیل، ان سی: یونیورسیتی آو دورت کرولاینا پرس، ۱۹۳۱، ص ۴۹۶ تا ۵۲۷)، دونالد گودسپید، توطئه گران (نیویورک: وایکنینگ، ۱۹۶۲، ص ۱۰۸ تا ۱۸۸)، اریک ایک، تاریخ جمهوری وایمار (کمبریج، ماساچوست: هاروارد یونیورسیتی پرس، ۱۹۶۲، جلد یک، ص ۱۲۹ تا ۱۶۰)، و جان ویلر-بنت، انتقام جویی قدرت (نیویورک: سینت مارتین پرس، ۱۹۵۳، ص ۶۳ تا ۸۲). همچنین، جین شارپ، اقدام خشونت پرهیز (بوستون: پورتر سارجنت، ۱۹۷۳، ص ۴۰ و ۴۱ و ۷۹ تا ۸۱).

اش، می رفت که موفق شود. دولت قانونی اعلام کرد که شهروندان باید تنها از آن پیروی کرده و از هرگونه همکاری با گروه کودتاگر بپرهیزند. پس از آنکه در برلین اعتصابی کارگری علیه کودتا سازمان داده شد، دولت با صدور اعلانیه ای (از سوی رییس جمهور و وزیران سوسیال دمکرات دولت) از مردم خواست که اعتصاب سراسری نکنند.

خیلی زود کاپیست ها با پرهیز گسترده ماموران اداری و بوروکرات ها از همکاری با ایشان مواجه شدند. افراد با کفایت از پذیرش شغل های اداری سرباز زدند. واکنش کاپیست ها خشونت آمیز بود و تعدادی از اعتصاب کنندگان به ضرب گلوله ایادی کودتا کشته شدند. با این وجود پرهیز گسترده مردم از همکاری ادامه یافت و پس از چندی برلین در نتیجه یک اعتصاب سراسری فلج شد. رایش-بانک از گذاشتن سرمایه در اختیار توطئه گران خودداری کرد. در تاریخ ۱۷ مارس پلیس امنیتی برلین خواستار استعفای کاپ شد. کاپ در همان روز به سوئد گریخت و بسیاری از همدستان او برلین را در لباس شخصی و مبدل ترک کردند. لوتوتیز استعفا داد. فیکورپس در رژه ای از برلین خارج شد و در همان حال به کشتن و مجروح کردن مخالفانی که در سر راه می دید دست زد.

به این ترتیب کودتا در نتیجه اقدام جمعی کارگران، ماموران دولتی، بوروکرات ها و مردم شکست خورد و جمهوری وایمار برجا ماند تا با مشکلات عظیمی که در قرار بود در پی آید دست و پنجه نرم کند. هزینه مالی مقابله با کودتا اندک بود و در مجموع تنها چند صد نفر به وسیله نیروهای کودتا به قتل رسیده یا مجروح شدند.

فرانسه ۱۹۶۱^{۱۱}

در اوایل آوریل ۱۹۶۱، شارل دوگل، رییس جمهور فرانسه، در سخنانی تلویجن گفت که قصد ندارد الجزایر را مستعمره فرانسه نگاه دارد. در واکنش به این سخنان، واحدهای معترض ارتش فرانسه در الجزایر در شب بیست و یکم و دوم آوریل پایتخت الجزایر و مناطق اطراف آن را به اشغال درآوردند.

در ۲۳ آوریل، احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری در فرانسه گرد هم آمدند و در اعتراض، فراخوان یک اعتصاب یک ساعته را دادند. همان شب دوگل در نطقی از مردم خواست که از گردن نهادن به فرمان های کودتاچیان سرباز زنند و اعلام کرد که از همه وسایل موجود برای شکست دادن کودتا استفاده خواهد کرد. وی گفت: " همه فرانسویان و به ویژه سربازان موظفند که از فرمان های کودتاچیان سرپیچی کنند." نخست وزیر دبری اخطار کرد که کودتاچیان ممکن است به پاریس حمله هوایی کنند. با این همه وی به ارتش دستور دخالت نداد. و در عوض از مردم خواست که دست به عمل بزنند: " آژیرها که به صدا درآمدند، پیاده و سواره، به محل استقرار کودتاچیتن بروید و سربازان را به خطای بزرگی که مرتکب شده اند آگاه کنید." متن سخنرانی دوگل به طور گسترده ای به وسیله مردم و ارتشیان وفادار به دولت، در الجزایر پخش شد. دوگل می گوید " از آن پس شورش ارتشیان با مقاومت منفعلانه ولی رو به افزایش مردم روبرو شد."

در ۲۴ آوریل، ده ها میلیون کارگر فرانسوی دست به اعتصابی نمادین زدند. در باند فرودگاه ها مردم خودروهای مختلفی را پارک کردند تا از فرود احتمالی هواپیماهای کودتاچیان جلو گیرند. در همان حال، دولت فرانسه حمل و نقل کالا و معاملات مالی با الجزایر را ممنوع کرد. ارتشیان وفادار به دولت نیز بیکار نشستند و دو سوم هواپیماهای حمل و نقل و جنگنده ها را از الجزایر خارج کردند.

۱۱. منبع اطلاعاتی ما این کتاب بوده است: آدام رابرتز: مقاومت مدنی علیه کودتا در ژورنال پژوهش پیرامون صلح (اسلو)، جلد دوازدهم، شماره یک (۱۹۵۷)، صفحه ۱۹ تا ۳۶. همه نقل قول ها از همین منبع آمده است.

این در حالی بود که خلبان‌های بسیاری باند فرودگاه‌ها در الجزیره را به بهانه تعمیر، با هواپیماها مسدود کردند. سربازان در سربازخانه‌های خود ماندند. در موارد بسیاری ارتشیان به عمد از خود بی‌کفایتی نشان داده یا به کم‌کاری پرداختند. اینان فرمان‌های رسیده از کودتاچیان را به عمد "گم" کردند و در کار حمل و نقل و ارتباطات اختلال به وجود آوردند. کارمندان اداری پرونده‌های مورد احتیاج را مخفی کردند و یا بر سر کار حاضر نشدند.

در ۲۵ آوریل، دوگل طی نطقی از ارتشیان وفادار به دولت خواست که به کودتاچیان یورش برند- اما نیازی به این کار پیدا نشد. کودتا فی الحال شکست خورده بود: رهبران کودتا برنامه‌های خود را کنسل کرده و چتربازان اشغالگر الجزیره، شهر را ترک کرده بودند. تلفات حادثه اندک بود. در مجموع سه تفر در الجزایر و فرانسه کشته و چندین نفر مجروح شده بودند. کودتا علیه دولت دوگل در نتیجه اعتراض مردم و مقاومت آنان شکست خورده بود.

اتحاد شوروی ۱۹۹۱^{۱۲}

در ۱۸ اوت ۱۹۹۱، در تلاشی برای سد کردن راه تمرکززدایی رادیکال قدرت در اتحاد جماهیر شوروی، گروهی از صاحب‌منصبان بنیادگرا، میخائیل گرباچف رئیس‌جمهور شوروی را بازداشت کرده و از وی خواستند که قدرت اجرایی را به معاونش منتقل کند. گرباچف زیر بار نرفت. کودتاچیان کمیته‌ای به نام کمیته کشوری وضعیت فوق‌العاده تشکیل دادند که شامل معاون رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، رئیس‌کاب و وزیر کشور می‌شد. این کمیته در کشور به مدت شش ماه وضعیت فوق‌العاده اعلام کرد. روزنامه‌های مخالف تعطیل شدند، فعالیت احزاب سیاسی به جز حزب کمونیست ممنوع شدند و برگزاری تظاهرات غیرقانونی اعلام گردید.

در اولین اقدام خود، خوانتا، ارجحیت قانون اساسی را بر حقوق قومی و ایالتی و خواست‌های مردمی اعلام کرد و اتباع کشور را موظف به پیروی بی‌چون و چرا از دستورات کمیته کشوری ساخت. به نظر می‌رسید که خوانتا همه نیروهای ارتش اتحاد شوروی را در اختیار خود دارد. نیروهای زرهی و چترباز در سرتاسر مسکو مستقر شدند. در بالتیک، پشتیبانان کودتا مراکز تلفنی، رادیویی و تلویزیونی را اشغال کرده و بندرها را تعطیل کردند. نیروهای نظامی مستقر در حومه لنینگراد بسیج شده و پیشروی خود به سوی شهر را به قصد اشغال آن آغاز نمودند.

در مسکو ده‌ها هزار نفر از مردم بی‌هیچ نقشه قبلی به خیابان‌ها ریختند و به محکوم کردن کودتا پرداختند. در اقدامی

اعتراضی، بوریس یالتسین، رئیس‌فدراسیون روسیه، از یکی از تانک‌های اشغالگران در مسکو بالا رفته، اقدام توطئه‌گران را کودتایی دست‌راستی، ارتجاعی و مغایر با قانون اساسی خوانده و آن را محکوم کرد. یالتسین گفت که همه تصمیمات و اقدامات کمیته کشوری غیرقانونی بوده و از شهروندان خواست که از آن‌ها سرپیچی کنند. وی همچنین از ارتشیان خواست که به کودتاچیان نپیوندند. یالتسین سخنان خود را با فراخوانی برای یک اعتصاب جهانی نامحدود علیه کودتا به پایان برد. همان روز یالتسین به نیروهای ارتش و کارمندان کابگ دستور داد که از فرمان‌های او و نه کودتاچیان پیروی کنند.

هزاران نفر در مقابل "کاخ سفید" (مقر پارلمان) گردآمدند تا در صورت حمله احتمالی به دفاع از آن بپردازند. مردم از

۱۲. منبع اطلاعاتی ما بررسی‌های بروس جنکینز است که پیشتر در کتاب جین شارب به نام دفاع مستقل، بدون خطر جنگ و ورشکستگی آمده بود (کمبریج، ماساچوست، انستیتو آلبرت اینشتین، ۱۹۹۲، ص ۱۶ تا ۱۹). این بررسی از منابع زیر گردآوری شده است: بوستون گلوب (۲۰ تا ۲۳ اوت ۱۹۹۱)، اکونومیست (۲۴ تا ۳۰ اوت ۱۹۹۱)، استوارت لوری و آن ایسمه، هفت روزی که جهان را تکان داد، گزارش‌های سی‌ان‌ان (آتلانتا: مرکز انتشاراتی ترنر، ۱۹۹۱)، نیوزویک، ۲ سپتامبر ۱۹۹۱، نیویورکر ۰۴ نوامبر ۱۹۹۱، نیویورک تایمز (۲۰ تا ۲۵ اوت ۱۹۹۱، تایم (۲ سپتامبر ۱۹۹۱)، واشنگتن پست (۲۱ اوت ۱۹۹۱).

اتوبوس ها و ماشین های سواری برای سد کردن راه خیابان ها و سنگربندی استفاده کردند. به درخواست یالتسین برای یک اعتصاب سراسری جامعه عمل پوشیده نشد ولی کارگران معدن های ذغال سنگ کوزباس و سودلوسک دست به اعتصاب زدند. توطئه گران به دلیل "آشوب و تظاهرات" در مسکو، وضعیت اضطراری اعلام کردند. در شب دوم کودتا نیروهای مقاومت با نصب اعلامیه هایی در متروی مسکو از مردم خواستند که روز بعد در مقابل "کاخ سفید" به تظاهرات بپردازند.

در لنینگراد در پاسخ به فراخوان شهردار شهر، آناتولی سوپچوک، برای "گستره ترین مقاومت مدنی در راه دفاع از قانون اساسی"، دویست هزار نفر به خیابان ها ریخته و تظاهرات کردند. در مولداوی ده ها هزار نفر خیابان ها را مسدود کردند تا از ورود ارتش به شهر جلوگیری کنند.

رهبان اوکراین و کازاخستان کودتا را محکوم کردند. قطعنامه راه پیمایی بزرگ مینسک از مردم سرتاسر شوروی خواست که به نافرمانی گسترده مدنی بپردازند. رییس جمهور لیتوانی، لندبرگیس، از مردم خواست تا ساختمان مجلس در ویلنویس را محاصره کرده و در صورت حمله احتمالی کودتاچیان به دفاع از آن بپردازند. نشست اضطراری مجلس های لتونی و استونی استقلال کامل آن جمهوری ها از اتحاد شوروی را اعلام کرد.

در مسکو نشریات اپوزوسیون، که چاپ آن ها ممنوع اعلام شده بود، به انتشار مخفیانه نشریه ای به نام "نامه مشترک" پرداخته و از مردم خواستند که در مقابل کودتا بایستند. یک فرستنده رادیویی هدایی موجب شد که دولت قانونی بتواند پیام خود را به گوش مردم در گوشه و کنار کشور برساند. رادیوی ممنوع اعلام شده "پژواک مسکو" به پخش برنامه های خود ادامه داد و به بازتاب زنده سخنرانی های ایراد شده در مجلس پرداخت. کارشناسان فنی تلویزیون روسیه به ضبط ویدئویی اخبار و توزیع آن در بیست شهر شوروی پرداختند. مقامات اجرایی در رسانه های دولتی از همکاری با توطئه گران سرباز زدند. سخنرانی های اعتراض آمیز یالتسین و سوپچاک در برنامه های شبانه رسانه های گروهی پخش شد (به دلایل نامعلومی کمیته سانسور کاگ ب از این کار جلوگیری کرد). اندکی بعد وزیر کشور، پوگو، به معاون اول تلویزیون شوروی، والتین لازوتکین، تلفن کرد و به او گفت: "شما از دو دستور کمیته کشوری سرپیچی کرده اید... شما به مردم گفته اید که به کجا روند و چگونه با کودتا مقابله کنند. بدانید که در برابر این اعمال پاسخگو هستید". گروه بزرگی از مردم در برابر "کاخ سفید" گرد آمدند تا از دولت قانونی شوروی در مقابل هر گونه حمله ای دفاع کنند. اقدامات هماهنگ شده ای برای تضعیف صفوف کودتاچیان انجام شد. مردم بین سربازان غذا و برشور پخش کردند و از خدمه تانک ها خواستند که به آنان بپیوندند. یالتسین از مردم خواست که "سربازان را تحریک نکنند". وی گفت: "ارتش به سلاحی در دست توطئه گران تبدیل شده است. ما باید از ارتش پشتیبانی کرده و در برخورد با سربازان احتیاط و نظم را رعایت کنیم".

در چندین مورد واحدهای نظامی صفوف کودتا را ترک کردند. در مقابل "کاخ سفید" ده تانک لوله های خود را به سمت مقابل برگرداندند و آمادگی خود را برای دفاع از مجلس در صورت حمله کودتاچیان اعلام نمودند. در رسانه ها گزارش هایی پیرامون شورش علیه کودتاچیان در مقر ناوگان لنینگراد و یک آموزشگاه چتربازی درج شد. واحدهای نظامی در شرق دور از اطاعت از کودتاچیان سرباز زدند. در جمهوری روسیه واحدهای پلیس، وزارت کشور و کاگ ب وفاداری خود را به یالتسین اعلام کردند. وزیر دفاع، یاسف، به لشکر تولا در مقابل مجلس دستور عقب نشینی داد چرا که در وفاداری آنان شک کرده بود. وزیر کشور، پوگو، سازمان پلیس مسکو را به دلیل مشابهی منحل کرد.

در بعد از ظهر روز دوم، کودتاچیان تصمیم به گرد آوردن نیروهای تازه نفس و حمله به مجلس گرفتند. قرار این بود که واحدهای چترباز و نیروهای وابسته به وزارت کشور، "کاخ سفید" را محاصره کرده و راه را برای حمله واحد ویژه کاگ ب به نام گروه آلفا آماده کنند. فرمانده نیروی هوایی و مسئول نیروهای چترباز ارتش از اجرای این فرمان سرباز زدند و ساعتی چند پیش از آغاز حمله فرمانده گروه آلفا اعلام کرد که واحد وی به مجلس حمله نخواهد کرد. وی گفت: "حمله ای در کار نخواهد بود. ما علیه مردم وارد عمل نخواهیم شد".

صبح روز بعد کمیته دفاع اتحاد شوروی به عقب نشینی ارتش از مسکو رای داد. در پی این اقدام، اعضای کمیته کشوری دستگیر شدند (یکی نیز خودکشی کرد). رییس جمهور گرباچف دوباره به قدرت بازگشت. تلفات اندک بود. در مجموع ۵ نفر در جریان کودتا کشته شدند. کودتا شکست خورده بود. اعتراض و مقاومت گسترده مردمی و نافرمانی ارتش تلاش کودتاچیان را برای برقراری رژیم خودکامه در شوروی را ناکام گذاشته بود.

این سه مورد موفق مقاومت علیه کودتا، یعنی مورد آلمان در ۱۹۲۰، فرانسه در ۱۹۶۱ و شوروی در ۱۹۹۱، ثابت می کنند که مقابله موفقیت آمیز علیه کودتا ممکن است. بی تردید در مواردی نیز مقاومت در برابر کودتا با شکست مواجه شده است. با این وجود این سه مورد به ما می آموزد که امکان فایق آمدن بر کودتا وجود دارد.

دفاع ضد کودتایی

توجه به نحوه عمل کودتا و شیوه شکست دادن آن می تواند درس های برای ما آموزنده بسیار در بر داشته باشد. از جمله مهمترین این درس ها این است که می توان در مقابل تعرض به آزادی و عدالت ایستاد. فراموش نکنیم که این ایستادگی به وسیله همان جامعه ای انجام می گیرد که مورد حمله واقع شده است.

به وجود آوردن و اجرای سیاستی ضد کودتایی کاملن ممکن است. این سیاست باید شامل دو بخش بشود: ۱. سلب مشروعیت سیاسی و اخلاقی از کسانی که به دولت منتخب و قانون اساسی تعرض کرده و قصد تغییر تحمیلی حکومت را دارند و ۲. پرهیز از همکاری با کودتاچیان به وسیله مردم، کارگران، کارمندان و کارگزاران دولتی.

کودتاچیان بی دلیل ساختمان های دولتی و مراکز حمل و نقل و ارتباطات و همچنین نقاط مهم جغرافیایی را تصرف نمی کنند. هدف آنان مهار ارکان حکومت و تسلط بر کشور است. برای موفقیت کودتاچیان به چنین مهار گسترده ای نیاز دارند. با این وجود نباید از نظر دور داشت که مهار این مراکز و مناطق به خودی کودتاچیان را قادر به تسلط بر جامعه نمی کند. آن ها هنوز از پشتیبان مردمی برخوردار نیستند و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ساختارهای دولتی و حتا همه نیروهای نظامی و انتظامی را تحت تسلط خود ندارند. توطئه گران حتا در موقعیتی نیستند که بتوانند به سرعت به همه اهداف ایدئولوژیک خود دست یابند. پس از تصرف ساختمان های دولتی و مراکز حمل و نقل و ارتباطات تازه مرحله مهمی آغاز می شود که طی آن توطئه گران باید بتوانند تسلط خود را برقرار کرده و پایه های حکومت خود را محکم کنند. حتا در صورت نبود مقاومت مردمی، دستیابی به چنین

تسلطی نیازمند وقت و تلاش بسیار است. این نیاز سلاح مهمی در دست مردم برای مقابله با کودتاست.

توطئه گران قصد دارند...

بلافاصله بعد از کودتا توطئه گران در پی به دست آوردن مشروعیت سیاسی و اخلاقی خواهند بود. این مشروعیت آنان را قادر به حکومت خواهد ساخت. پشتیبانی و تایید رهبران اخلاقی و مذهبی، شخصیت های قابل احترام سیاسی و در مواردی اعضای خانواده سلطنتی و کارگزاران سابق حکومتی، آنان را در به دست آوردن این مشروعیت کمک می کند. توطئه گران می خواهند که قبضه سیاسی قدرت، به وسیله افراد و نهادهایی که دارای اقتدار اخلاقی و سیاسی اند (مانند مقام های انتخابی، رهبران اخلاقی و اعضای خانواده سلطنتی) مهر تایید بخورد. به همین دلیل اولین گام در راه مقابله با کودتا سلب مشروعیت از توطئه گران است. هدف توطئه گران این است که مردم یا به طرفداری از کودتا پردازند، یا گنج شوند و ندانند که چه کنند و یا بی طرف و خنثا باقی بمانند. توطئه گران همچنین نیازمند همکاری متخصصان، مشاوران، بوروکرات ها، کارمندان اداری، مدیران و قاضیان هستند تا بتوانند تسلط خود را استحکام بخشند. روزنامه نگاران، گویندگان رادیو و تلویزیونی، صاحبان چاپخانه ها و کارشناسان فنی باید آنچه را که توطئه گران می خواهند بگویند، بنویسند و به چاپ برسانند. نیروهای انتظامی، مقامات زندان و سربازان موظفند که از دستورات کودتاچیان اطاعت کرده و مخالفان را دستگیر، حبس یا اعدام کنند. توطئه گران همچنین نیاز دارند مردمی که چرخ های سیاسی و اقتصادی کشور را می چرخانند و یا به کار در نهادهای جامعه مشغولند منفعلانه به کار خود ادامه داده و آنجا که لازم است تغییرها و تعدیل هایی را که کودتاچیان می خواهند اعمال کنند. سخن کوتاه، به منظور تسلط بر جامعه کودتاچیان نیازمند سطح بالایی از مشروعیت سیاسی و اخلاقی و همچنین میزان گسترده ای از همکاری (یا انفعال) مردمی اند. واقعیت اما آن است که در عمل اینان میزان اندکی از این گردن نهی و همکاری مورد نیاز خود را به دست می آورند. نقشه های کودتاچیان ممکن است به سادگی بر اثر پرهیز از همکاری و مخالفت مردم نقش بر آب شود. به دست آوردن مشروعیت سیاسی و حمایت شدن از سوی مردم ساده نیست. جامعه می تواند دست رد به سینه کودتاچیان بزند، مشروعیت درخواستی آنان را نپذیرد، و حمایت و همکاری خود را از آنان دریغ کند. در این حالت کودتاچیان با موانع سختی روبرو خواهند شد. کوچکترین مخالفت و مقاومتی می تواند موجب شود که کودتاچیان به شدت واکنش نشان داده و دو چندان در راه به دست آوردن مشروعیت و مقبولیت بکوشند. در مقاومت های قوی علیه کودتا، مردم از تسلط کودتاچیان بر ارکان حکومتی با پرهیز گسترده و دقیق از همکاری با آنان جلو می گیرند. اینان در عین حال به پشتیبانی از دولت سرنگون شده می پردازند. پرهیز از همکاری و اعتراض و مخالفت گسترده مردم می تواند کودتاچیان را به زانو درآورد.

دومین گام در راه مقابله با کودتا پرهیز از همکاری و مخالفت است. اگر مشروعیت توطئه گران به زیر سؤال برود و

مردم از همکاری کردن با آنان خودداری کنند، کودتا دچار قحطی سیاسی شده، می میرد.

دفاع مستقیم از جامعه

مقابله با کودتا باید بر پایه دفاع جامعه از خود باشد. هدف، دفاع از مناطق جغرافیایی خاص یا ساختمان ها و مراکز دولتی

نیست. این مناطق و مراکز تنها زمانی برای کودتاچیان اهمیت می یابند که همکاری مردم و گردن نهی جامعه عملی شده باشد. برای کسی که می خواهد سیستم آموزشی را مهار کند تصرف ساختمان یک مدرسه فقط وقتی مهم می شود که دانش آموزان، معلمان و کارمندان مدرسه با او همکاری کنند. تصرف خطوط راه آهن به خودی خود عملی بی هوده است- اگر که کارگران و کارمندان راه آهن از همکاری با تصرف کنندگان سرباز زند و از هدایت قطارها طبق دستورات خودداری کنند. مهار ساختمان مجلس، مهار نمایندگان مجلس و مردمی که به سیستم پارلمانی معتقدند نیست. به جای تلاش برای دفاع از مناطق و مراکز قدرت، باید به دفاع مستقیم و فعال از جامعه، آزادی و نهادهای اش پرداخت. کنش ها باید بر پایه اولویت دسته بندی شوند. پافشاری بر رعایت روندهای قانونی یا فعال نگاه داشتن رسانه های آزاد، به عنوان نمونه، اهمیت بیشتری برای دفاع از دمکراسی دارد تا مهار فلان چهارراه یا ساختمان.

البته نباید از نظر دور داشت که در برخی موارد، ساختمان ها و مناطق خاص اهمیت نمادین دارند. در چنین مواردی شهروندان مدافع آزادی می توانند خود را بین کودتاچیان و آن مراکز یا ساختمان ها قرار داده و از تصرف آن ها جلوگیری کنند. در سال ۱۹۹۱، در جریان کودتای شوروی، مردم با به کارگیری این شیوه توانستند از ساختمان های مجلس در مسکو و لیتوانی دفاع کنند. این دو مورد را البته نباید تعمیم داد. در مواردی انجام چنین کاری اساسن ممکن نیست. هوای بد مثلن، به ویژه هوای بسیار سرد، می تواند از گردهم آمدن مردم و ماندن طولانی مدت شان در یک محل جلو گیرد. به همین دلیل باید در نظر داشت که اصل، دفاع از جامعه و نه این یا آن ساختمان یا منطقه جغرافیایی است. فراموش نکنیم که کودتاچیان می توانند به راحتی به خشونت روی آورند و با کشتار مردم هر ساختمان یا منطقه ای را که بخواهند تصرف کنند. در صورتی که کودتاچیان در انجام نقشه های خود مصمم نبوده و یا سربازان حاضر به گشودن آتش به روی مردم نباشند، می توان روی این "سنگرهای انسانی" حساب کرد. اما اگر علا رغم تلاش مدافعان آزادی، کودتاچیان موفق به تصرف ساختمان ها و مناطق مورد نظر خود شوند، این امر می تواند موجب تضعیف روحیه مردم بشود. در چنین حالتی مدافعان آزادی ممکن است دچار این گمان بشوند که تصرف مثلن ساختمان مجلس، از بین رفتن خود مجلس است. مدافعان آزادی ممکن است به خطا پندارند که تصرف فیزیکی یک مرکز دولتی، توطئه گران را در امر مهار جامعه موفق کرده است.

در طرح استراتژی دفاع از ساختمان ها باید دقت بسیار به کار برد و فراموش نکرد که هدف اصلی، دفاع از قانون اساسی و نهادهای جامعه است. رهبران کودتا بدون گردن نهی و همکاری مردم قادر به مهار دولت و سازمان هایش (و جامعه به طور کلی) نخواهند بود.

نیاز به آماده سازی

در موارد موفق دفاع ضد کودتایی که پیشتر برشمردیم، مقاومت به گونه ای خودانگیخته و بدون برنامه ریزی قبلی انجام شده بود. شگفت انگیز است حتا یک کنش اجتماعی خودانگیخته تا چه حد می تواند نیرومند و اثرگذار باشد. با این وجود مقاومت برنامه ریزی شده و سازمان یافته، به مراتب بهتر و اثربخش تر از نوع خودانگیخته آن است. با آماده سازی، این احتمال که مردم دچار سردرگمی و تردید شوند یا اعتراضشان بی اثر و حتا مضر افتد کاهش خواهد یافت. در مقابل، آماده سازی و رهنمودهای مربوط به آن، دفاع مدنی سنجیده و موثر را به وسیله شهروندان آگاه به شدت افزایش خواهد داد. هدف از این رهنمودها، آماده سازی شهروندان برای مقابله گروهی با کودتا است. این آماده سازی باید شامل رهنمودهای کلی و همچنین راهنمایی های مشخص

برای افراد و گروهایی مانند کارمندان اداری، رهبران مذهبی، نیروهای انتظامی، خبرنگاران و کارگران و کارمندان حمل و نقل و از این قبیل باشد. برنامه ریزی و آماده سازی برای مقابله با کودتا کاملن عملی است. اما اینکه آیا نهادهای مستقل جامعه و دولت، به همراه سازمان ها و موسسات غیردولتی به چنین اقدامی دست بزنند یا نه، بستگی به شرایط سیاسی کشور و میزان رشد و پویایی جامعه دارد.

هدف های دفاع مدنی

با اتکا به سیاست ضدکودتایی خود، مدافعان آزادی قصد دارند که:

- مشروعیت کودتاجیان را انکار کرده و هر گونه ادعایی را از جانب آنان در رابطه با مشروعیت رد کنند.
- اداره جامعه به وسیله کودتاجیان را ناممکن سازند.
- از دست یابی دولت تحمیلی به قدرت جلو گیرند.
- نظارت خود را بر جامعه و روند وقایع حفظ کنند.
- نهادهای جامعه را به سازمان های دفاعی همیشه حاضر بدل کنند.
- این امکان را از کودتاجیان بگیرند که به طرح اهداف تازه پردازند.
- هزینه قبضه قدرت را هنگفت و در نتیجه ناپذیرفتنی کنند.
- در وفاداری و اعتماد نظامیان پشتیبان کودتا خلل به وجود آورده و آنان را به کناره کشی و مخالفت با توطئه گران تشویق کنند.
- موجب تشتت و تفرق در صفوف هواداران کودتا شوند.
- جامعه جهانی را از طریق فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی به مخالفت با کودتا برانگیزند و اذهان مردم جهان را علیه آن بسیج کنند.
- در زمینه های ارتباطی، مالی، غذایی، دیپلماتیک و غیره از پشتیبانی جامعه جهانی برخوردار شوند.

مقاومت: عمومی و سازمان یافته

استراتژی های مربوط به دفاع ضدکودتایی را می توان به دو دسته تقسیم کرد: عمومی و سازمان یافته.^{۱۳} مدت ها پیش از آنکه کودتایی رخ دهد باید نکته های مهم مربوط به دفاع مدنی را به مردم آموخت تا در صورت رخداد کودتا بتوانند بدون دریافت رهنمودهای مشخص دست به عمل بزنند. این گونه مقاومت را "مقاومت عمومی" می نامیم. نکته هایی که اشاره کردیم ممکن است شامل تلاش کودتاجیان برای معرفی خود به عنوان نیرویی مشروع، تلاش برای دیگرسازی یا از میان بردن دستگاه قانون گذاری، تلاش برای دیگرسازی دادگاه ها یا تحمیل قانون اساسی جدید، محدود کردن آزادی بیان و دین و تلاش برای مهار کردن نهادهای مستقل جامعه بشود. تعرض کودتاجیان به هر یک از مواردی که برشمردیم می تواند هشدار به مردم باشد تا به مقاومت پردازند. رهنمودهای مربوط به مقاومت عمومی می تواند مقابله هوشمندانه با کودتا را - حتا در مواردی که مقام های انتخابی دولت پیشین یا

۱۳. این تقسیم بندی به وسیله مرحوم لارس پورشولت انجام شد. لطفن به کتاب او به نام "پیرامون دفاع مدنی" مراجعه کنید (ویرایش شده به وسیله ت. ک. مهدوان، آدام رابرتز و جین شارپ)، دفاع مدنی: معرفی (دهلی نو، گاندی پیس فاندیشن، و بمبئی: باراتیا ویدیا بهاوا، ۱۹۶۷)، ص ۱۴۵ تا ۱۴۹

رهبران مقاومت دستگیر شده و به قتل رسیده باشند- ممکن کند. مقاومت عمومی حتا در صورتی که خط ارتباطی بین رهبری مقاومت با مردم گسسته باشد، قابل اجرا است. تفاوت مقاومت سازمان یافته با مقاومت عمومی در این است که در مقاومت سازمان یافته، مدافعان، بر طبق برنامه ها و رهنمودهای مشخص رهبری عمل می کنند. رهبری ممکن است شامل اعضای دولت قانونی، نیروهای برنامه ریز مقاومت یا افراد انتخابی دیگری باشد. این گروه همچنین می تواند شامل نمایندگان نهادهای داوطلب آموزشی، مدنی، کارگری، مذهبی، سیاسی و غیره باشد که به طور غیررسمی به وسیله جامعه پذیرفته شده اند. هویت اعضای این نهادها می تواند مخفی یا آشکار باشد. مقاومت سازمان یافته جایگزین مقاومت عمومی نمی شود: تنها آن را تکمیل می کند. مقاومت سازمان یافته معمولن تمرکز خود را بر اقدام های مشخص و به لحاظ زمانی تنظیم شده ای می گذارد.

این گونه دفاع می تواند شامل اقدام هایی مانند راه پیمایی یا مقاومت نمادین، که هر کدام دربرگیرنده نمونه ها و نوع های متعددی است، بشود. نمونه ها، شامل تظاهرات، اعتصاب کوتاه مدت، راه پیمایی های اعتراضی، خاموش کردن چراغ ها به منظور اعتراض، به صدا درآوردن ناقوس ها، به اهتزاز درآوردن معترضانة پرچم (ترجیحن به صورت نیمه افراشته)، پیکار سازمان یافته نامه نویسی، خواندن بیانیه های رهبران مذهبی در مراسم و گردهمایی های دینی، اعتصاب غذای سازمان یافته، پخش برنامه رادیویی از طریق فرستنده های مخفی، و سوگواری آشکار (چه به دلیل بی رحمی کودتاچیان و چه به دلیل واکنش های تروریستی مردم) بشود. مقاومت عمومی و سازمان یافته هر دو در امر مقابله با کودتا از اهمیت برخوردارند. اینکه نقش هر یک از این گونه های مقاومت چقدر باشد بسته به شرایط کشوری دارد که در آن کودتا رخ داده است.

اهمیت استراتژی

موثرترین شیوه مقابله با کودتا پیکار خشونت پرهیز است. مبارزه خشونت پرهیز موجب می شود که مردم در مقابله با کودتا از جنگ افزارهای قراردادی استفاده نکنند. فراموش نکنیم که در به کارگیری شیوه های خشونت آمیز، از جمله به کار بردن جنگ افزار، کودتاچیان به مراتب تواناتر و مجهزتر از مدافعان آزادی هستند. شیوه خشونت پرهیز مبارزه توانایی مدافعان را دوچندان کرده، تعداد مردمی را که حاضر به شرکت در پیکار هستند به شدت افزایش داده و از همه مهمتر، روحیه و قابلیت اعتماد سربازان حامی کودتا را تحلیل می برد. از ابزار و روش های مبارزه مانند اعتصاب، بایکوت، انواع پرهیز از همکاری سیاسی و تمرد نباید بی برنامه و الله بختکی استفاده کرد. این ابزار نباید بر پایه هوا و هوس افراد یا در واکنش به رخدادهای جزئی مورد استفاده قرار بگیرند. همچنین نباید از آن ها آش درهمجوشی ساخت که بالبداهه و غریزی پخته شده است! از این ابزار باید به مثابه بخشی از یک پیکار سازمان یافته، فراگیر و با استراتژی مشخص استفاده کرد.

تلاش برای مقابله با کودتا بدون داشتن استراتژی مشخص، در واقع بیگدار به آب زدن است. چنین کاری می تواند به طور بالقوه فاجعه بار نیز باشد. از دلایل اصلی شکست پیکارهای خشونت پرهیز در گذشته نداشتن استراتژی یا نداشتن استراتژی مناسب بوده است. استراتژی همانقدر برای موفقیت یک مبارزه خشونت پرهیز مهم است که برای موفقیت یک عملیات نظامی. باید برای هدایت پیکار برنامه داشت. چنین برنامه ای را کلان استراتژی می نامیم. برای تحقق هدف باید در چارچوب کلان استراتژی، به فرمول بندی استراتژی های کوچکتری نیز پرداخت. استراتژی کوچکتر (در اینجا: استراتژی) یک مفهوم و برنامه کلی است که، در چارچوب کلان استراتژی، برای دستیابی به هدف های اصلی نبرد تبیین می شود.

استراتژی کمک می کند که ما با کمترین خرج، بیشترین استفاده را از منابعی که در اختیار داریم، ببریم. استراتژی به ما می گوید که بجنگیم یا نه و اگر می جنگیم، کی، کجا و چگونه بجنگیم. برای اجرای استراتژی باید از تاکتیک های خاصی استفاده کرد. تاکتیک، طرحی برای کنش محدود با استفاده از روش های ویژه است. این کنش ها محدودیت زمانی و میزانی بیشتری نسبت به کنش های استراتژیک دارند و برای دستیابی به هدف های محدودتری مورد استفاده قرار می گیرند. استراتژی دفاع ضد کودتایی باید با دقت بسیار برنامه ریزی شود. استراتژی باید ما را به بهترین بهره گیری از منابعی قادر کند که در چارچوب اصول استراتژی قابل پذیرش اند.

استراتژی را باید بر اساس اصول مبارزه خشونت پرهیز، تحلیل درست، ساختار کودتا، نبرد مشخصی که در جریان است و نقاط قوت و ضعف مردم حامی آزادی و توطئه گران تنظیم کرد. مسایل مربوط به استراتژی پیچیده تر از آنند که در اینجا به همه آن ها بپردازیم و کسانی که مجبور به تصمیم گیری های استراتژیک هستند باید به منابع دیگری نیز رجوع کنند.^{۱۴}

جنگ افزارهای ضد کودتایی

گزینهش بهترین شیوه های عمل از اهمیت حیاتی برخوردار است. استراتژی ضد کودتایی می تواند در گام نخست از جنگ افزار خشونت پرهیز زیر استفاده کند:

بیرون رفتن مردم از خانه، فلج کردن بخش هایی از سیستم سیاسی که توطئه گران قصد استفاده از آن را دارند، ادامه فعالیت در بخش هایی از سیستم سیاسی که هنوز به وسیله کودتاچیان قبضه نشده و بی اعتنایی به حکم ها و فرمان های کودتاچیان، راه پیمایی در خیابان ها یا ترک کامل آن ها، شورش گسترده سربازان و کارگزاران کودتا، انتشار روزنامه و پخش رادیو تلویزیونی خبرهای مربوط به کودتا و نحوه مقابله مردم با آن، اعتصاب عمومی، و فلج کردن اقتصاد (به وسیله کارگران و کارفرمایان هر دو). در برنامه ریزی، اهمیت را باید به شیوه هایی داد که به قصد مقابله با هدف های نخستین کودتا طرح ریزی شده اند. هدف آغازین کودتا مهار موثر جامعه و تضعیف نیروهای اپوزیسیون است. نامحتمل است که هدف های اقتصادی، منظور اولیه کودتاچیان باشد. هدف های اقتصادی معمولن جزو برنامه های درازمدت توطئه گران است. آن ها ممکن است بخواهند که اقتصاد را به دست نخبگان نزدیک به خود بسپارند یا سیستم اقتصادی را آنگونه که صلاح می بینند مهار و اداره کنند. معمولن هیچگاه مهار اقتصاد جزو هدف های اولیه کودتا به شمار نمی رود. به همین دلیل اعتصاب های سراسری یا به تعطیل کشاندن اقتصاد کشور به ندرت می تواند شیوه موثری برای درافتادن با کودتاچیان باشد. با این همه باید در نظر داشت که اینگونه اقدام ها می تواند در کوتاه مدت بیانگر اراده

۱۴. یکی از این منابع خوب، کتاب پیترو آکرمن و کریستوفر کروگر به نام مبارزه خشونت پرهیز استراتژیک: ساخت و کار قدرت مردم در سده بیستم (وست پورت، کانتیکت و لندن: پراگر، ۱۹۹۴) است. همینطور کتاب هنوز منتشر نشده جین شارپ به نام مبارزه خشونت پرهیز: موارد سده بیستم و امکان های سده بیست و یکم. برای اطلاع بیشتر پیرامون دفاع مدنی، به کتاب جین شارپ به نام دفاع مدنی: یک سیستم جنگی پسا-ارتشی مراجعه کنید (پرینستون، ن.ج. پرینستون یونیورسیتی پرس، ۱۹۹۰، ص ۸۹ تا ۱۱۱). همینطور: جین شارپ، تبدیل اروپا به قاره ای تسخیرناشدنی. توان بالقوه بازدارندگی و دفاع شهروندی (کمبریج، بالینگر بوکز، ۱۹۸۶. ص ۸۸ تا ۱۱۸). لندن: تایلر و فرانسیس، ۱۹۸۵، ص ۱۱۳ تا ۱۵۱ و آدام رابرتز، ویراستار، استراتژی دفاع شهروندی (لندن: فی بر و فی بر، ۱۹۶۷)، ویرایش آمریکا: مقاومت شهروندی به مثابه دفاع ملی (هاریسبرگ، پی ای: استک پول بوکز، ۱۹۶۸، ص ۲۱۵ تا ۲۵۱. برخی منابع دیگر را می توانید در کتاب جین شارپ، تبدیل اروپا به قاره ای تسخیرناشدنی (نسخه بالینگر، ص ۱۶۰ و ۱۶۱).

قوی مخالفان کودتا به ایستادگی و مقاومت باشد. مشکل اینجاست که استفاده از اعتصاب در درازمدت توانایی جامعه را برای بقا کاهش می دهد.

در مراحل آغازین دفاع، می توان از اعتصاب سراسری به عنوان نماد عزم جامعه برای مقابله با کودتا یا اعتراض به موارد مشخصی مانند بی رحمی لگام گسیخته کودتاچیان استفاده کرد. اعتصاب سراسری یا تعطیل اقتصاد کشور، اگر گسترده و موثر باشد، یک اقدام نمادین قوی محسوب می شود.

مهمترین شیوه های مبارزه آن هایی هستند که به طور مستقیم به مقابله با اهداف اصلی و اولیه توطئه گران می پردازند. این شیوه ها: ۱. ادعای کودتاچیان مبنی بر مشروع بودن کودتا را رد می کنند ۲. جلو مهار سیستم سیاسی به وسیله کودتاچیان را (از طریق پرهیز کارگزاران حکومتی از همکاری، نیروهای نظامی و انتظامی، کارگزاران رده پایین دولتی و از این قبیل) می گیرند ۳. مخالفت مردم با کودتا را از طریق پرهیز از همکاری و اطاعت نشان می دهند. ۴. جلو مهار وسایل ارتباطی را به وسیله کودتاچیان گرفته و در همان حال با استفاده از رسانه های چاپی و صوتی به مقابله با کودتا می پردازند و ۵. به مقابله با تلاش کودتاچیان برای مهار یا خنثا کردن نهادهای مستقل جامعه می پردازند.

اگر این ابزار دفاعی به طور موثر و در سطح گسترده مورد استفاده قرار بگیرد، کودتا محکوم به شکست خواهد بود.

راهنمای مقاومت عمومی

راهنمای مقاومت علیه کودتا را می توان پیش از وقوع کودتا فرمول بندی کرد. این راهنما باید دربرگیرنده عنصرهای اصلی دفاع کارساز استراتژیک باشد و به مردم نشان دهد که چگونه مقاومت کنند. این عنصرها می تواند شامل موارد زیر باشد: . انکار مشروعیت کودتا و محکوم کردن رهبران آن. رد رژیم کودتا. محکوم کردن توطئه گران و ناروا دانستن عمل آنان باید به وسیله رهبران اخلاقی، سیاسی، مذهبی، مقام های عالیتر (شامل مقام های آموزشی، رسانه ای و ارتباطی) و مرکزها و مقام های تصمیم گیری استانی و ملی (شامل رئیس جمهور، نخست وزیر و خانواده سلطنتی) تایید شود. اجازه ندهید که کودتاچیان به هیچ وجه و میزانی مشروعیت کسب کنند و امکان هر گونه مصالحه ای بین آنان و دولت برکنار شده را مردود شمارید. . همه دستورها و حکم های توطئه گران را غیرقانونی شمرده و از آن ها سرپیچی کنید. . مبارزه را به طور کامل خشونت پرهیز نگاه دارید تا دفاع ضد کودتایی موثر افتد. نگذارید که به استفاده از خشونت تحریکتان کنند.

. نگذارید توطئه گران دستگاه دولتی و جامعه را مهار کرده و منقاد خود کنند.

. در هیچ زمینه ای با توطئه گران همکاری نکنید. این پرهیز از همکاری باید عامه مردم، کارشناسان و تکنوکرات ها، مسئولان دولت های قبلی و احزاب سیاسی، همه شاخه های محلی و مرکزی دولت و کارگزاران و بوروکرات هایش، گروه های مهم حرفه ای، همه پرسنل رسانه ای و ارتباطی، پرسنل شبکه حمل و نقل، نیروهای نظامی و انتظامی، قاضیان و کارمندان سیستم قضایی، پرسنل نهادهای مالی (چه دولتی، چه خصوصی)، و مقام ها و کارگزاران سایر نهادهای جامعه را در بر بگیرد. . بر حفظ اداره جامعه طبق شیوه ها و قوانین پیش از کودتا پافشاری کنید. این عمل باید تا هنگام بیرون راندن فیزیکی مدافعان از

محل کار خود ادامه یابد. حتا در آن هنگام نیز تلاش کنید که کار را از مکان دیگری ادامه دهید. این به ویژه در ارتباط با کارمندان و کارکنان دولت از اهمیت برخوردار است..

. از سازمان های سیاسی و اجتماعی مشروع جامعه حفاظت کنید. اگر لازم شد به برپایی سازمان های پشتیبانی بپردازید تا در صورت بسته شدن سازمان های قبلی، کار ادامه پیدا کند.

. از دادن اطلاعات مهم به توطئه گران و همدستان شان خودداری کنید. در صورت لزوم تابلوهای راهنمایی، پلاک خیابان ها، علائم راهنمایی و رانندگی، شماره خانه ها و غیره را کنده یا جا به جا کنید تا در کار کودتاچیان اختلال ایجاد کرده و از دستگیری مردم جلوگیری کنید.

. از تهیه تدارکات و ساز و برگ برای کودتاچیان خودداری کرده و در صورت امکان این مواد را از آنان پنهان دارید.

. در همان حال که به مبارزه ادامه می دهید به ارتباط گیری دوستانه با سربازان و خدمتگزاران کودتا بپردازید. به آن ها توضیح دهید که چرا با کودتا مقابله می کنید، به آن ها اطمینان دهید که در برخورد با آنان به خشونت متوسل نخواهید شد، تلاش کنید که اعتمادپذیری آن ها را کاهش دهید و تشویق شان کنید که به مدافعان آزادی یاری رسانند. این یاری می تواند شکل های متفاوتی داشته باشد از جمله: عدم کارایی در خدمت به کودتاچیان، اطلاع رسانی به مدافعان، و در آخرین مرحله، ترک خدمت و پیوستن به صفوف پیکار خشونت پرهیز. تلاش کنید که سربازان و کارگزاران کودتا را قانع کنید که وظیفه آنان وفاداری به قانون اساسی و روندهای قانونی است، نه رهبران کودتا.

. از همکاری با کودتاچیان در انتشار و پخش پروپاگاندا خودداری کنید. سرکوب توطئه گران را به هر وسیله ای (از طریق نوشته یا با استفاده از صدا و فیلم) مستند کنید. این سندها را در جای امنی حفظ کرده و اطلاعات مربوط به آن را به طور گسترده در میان مدافعان آزادی، مردم جهان و همچنین هواداران کودتا پخش نمایید.

نحوه رفتار با سربازان و کارگزاران کودتا

بلافاصله پس از وقوع کودتا، مدافعان آزادی باید کوشش کنند که به سربازان، کارگزاران، طراحان و فرماندهان کودتا بفهمانند که کودتا از پشتیبانی مردمی برخوردار نیست. مدافعان باید از کلمه ها و کنش های نمادین برای بیان و انتقال اراده مردم، شرح گونه های مختلف دفاع ضد کودتایی و وادار کردن توطئه گران به عقب نشینی بهره بگیرند. تلاش کنید که در هر مرحله از کودتا وفاداری سربازان و کارگزاران کودتا به رهبرانشان را کاهش دهید. در دفاع ضد کودتایی این کار ساده تر صورت می گیرد تا در اشغال کشور به وسیله نیروهای بیگانه، چرا که در حالت دوم مردم کشور اشغالی ممکن است زبان سربازان اشغالگر را نفهمند و نتوانند با آنان ارتباط برقرار کنند. ولی حتا در این صورت هم ارتباط گیری غیر ممکن نیست و هنوز می توان از راه های دیگری مانند استفاده از اعلامیه ها و بیانیه های ترجمه شده و افرادی که مهارت زبانی دارند یا به کارگیری نوع خاصی از رفتار نمادین کوشش به برقراری ارتباط کرد. باید از همان ابتدا به سربازان فهماند که مقاومتی مردمی در کار خواهد بود، ولی مقاومتی از نوع متفاوت. در این گونه مقاومت، اصل جلوگیری از مهار جامعه به وسیله کودتا متمرکز خواهد بود، نه آسیب رساندن به فرد سرباز. اگر سربازان این را بدانند، احتمال نرم شدن شان در برابر مدافعان، کمک های کوچک شان به مردم خواهان آزادی، دست نزدن شان به خشونت بی حساب و حتا ترک خدمت هنگامی که اوضاع بحرانی شود، افزایش خواهد یافت. اما اگر بترسند که هر لحظه به وسیله تک تیراندازها یا بمب اندازها کشته شوند، واکنششان به احتمال خشونت آمیز خواهد بود.

نشان دادن مکرر این امر به سربازان که مقاومت، قصد اعمال خشونت علیه آن‌ها ندارد و در همان حال پیش بردن دفاع به گونه ای موثر و آشکار از اهمیت بسیاری برخوردار است. این ترکیب، کارایی دفاع ضد کودتایی را به شدت افزایش خواهد داد. مقاومت قوی ولی خشونت پرهیز مردم روحیه سربازان را تضعیف خواهد کرد. این تضعیف روحیه می تواند به کاهش وفاداری آنان به رهبران کودتا، بیزاری از خود هنگام سرکوب مدافعان آزادی و در نهایت ترک خدمت و تمرد منجر شود.

فراموش نکنیم که این اقدامات لزومن ضامن تاثیر بر سربازان و جلب نظر آن‌ها نیست. سربازان ممکن است علا رغم همه این تلاش های باز به سرکوب و کشتار مردم دست بزنند. این امر دلیل شکست جنبش نیست. در واقع ادامه نظم مند مقاومت موجب می شود که در نهایت این بی رحمی ها به نفع مدافعان و به ضرر کودتاچیان تمام شود. در بخش های بعدی باز به این موضوع خواهیم پرداخت.

مقابله با حمله: کارشکنی و ارتباطات

ما به سربازان کودتا حمله مسلحانه نمی کنیم ولی می توانیم کنش های محدود و مشخصی را علیه آنان به کار گیریم. اگر از زمان و مکان استقرار سربازان خبر داشته باشیم، می توانیم با سد کردن شاهراه ها، خیابان ها، فرودگاه ها، خطوط راه آهن و از این قبیل در کار آنها اختلال به وجود آوریم.

با خودداری از به کار انداختن خطوط راه آهن، بند آوردن شاهراه ها، رها سازی خودروها در جاده ها و خیابان ها و ساختن سدهای انسانی می شود ورود سربازان به مکان های خاص را با تاخیر مواجه کرده و حرکت آنان را کند ساخت. فراموش نکنید که این اقدامات فقط می تواند به طور موقت و محدود کارا باشد، با این وجود چنین اعمالی به سربازان نشان خواهد داد که بر خلاف آنچه به آن ها گفته شده مردم هوادار کودتا نبوده و در عمل با آن مخالفند. مردم باید بکوشند سربازان، تبلیغات رهبران کودتا را باور نکنند. از جمله اقدامات اعتراضی می تواند این باشد که مردم نوار سیاه سوگواری به دور بازوی خود ببندند، در اقدامی هماهنگ از خانه بیرون نروند، اعتصابی سراسری ولی محدود به راه بیندازند یا از قوانین حکومت نظامی سرپیچی کنند. چنین کنش هایی از دو جهت مفید خواهد بود: یکم اینکه به دوست و دشمن نشان خواهد داد که کودتا با مقاومت مردمی روبروست و دوم اینکه روحیه مردم را برای مقابله با توطئه گران تقویت خواهد کرد. چنین اقدام هایی پیش درآمد اقدام های بعدی در راه پیکار علیه کودتا خواهد بود. از روش های نمادین زیر می توان برای نشان دادن اراده مردم به درافتادن با کودتاگران استفاده کرد: اعلامیه، نامه، پخش رادیو و تلویزیونی، گفتگوی خصوصی با دیگران، روزنامه، پوستر، بیرق، پیغام دیپلماتیک، خواندن بیانیه در نشست های منطقه ای و جلسات سازمان ملل، کمک شخص ثالث، پیغام و شعار چاپی و گونه های ویژه ای از تظاهرات. از این ابزار اختطاری و ارتباطی باید علیه رهبران و پشتیبانان بالقوه کودتا و ارتش هوادار آن بهره گرفت.

مقابله با حمله: انکار و رد

دست زدن به اقدام سریع در در اولین هفته ها، روزها و ساعات کودتا برای سد کردن راه توطئه گران در مهار دستگاه دولتی و جلوگیری از قبول آنان به وسیله مردم اهمیت بسیار دارد. برای شکست کودتا باید بی فوت وقت از استراتژی انکار و رد

استفاده کرد. این استراتژی انکار ادعای کودتاچیان به مشروع بودن و رد همکاری با آنان را ترکیب کرده و فضای پرهیز از همکاری مطلق یا تقریبین مطلق را با توطئه گران به وجود خواهد آورد. شکست سریع کودتا موجب می شود که مبارزه طولانی نشده و نیاز به فعالیت در شرایط خفقان و سرکوب کاهش یابد. معمولن کودتاها در ساعات و روزهای اول در ضعیفترین و آسیب پذیرترین مرحله حیات خود هستند و به همین دلیل دست زدن به اقدام فوری و محکم علیه آن ها از اهمیت حیاتی برخوردار است. برای موفقیت، باید در سطح گسترده و عمیقی به دفاع پرداخت. باید درخواست توطئه گران را برای "اتحاد ملی" - که معنی اش در واقع همان گردن نهی به دستورات و پذیرش کودتا است- نشنیده گرفت.

جلوگیری از قدرت گیری توطئه گران

با نادیده گرفتن فرمان های غیرقانونی، سیاستمداران، کارپرداز اداری و قاضیان موجب می شوند که دستگاه دولتی به کار معمول خود ادامه بدهد. این همان کاری بود که دفاع ضدکودتایی در آلمان در سال ۱۹۲۰ انجام داد. مقامات قوه قانونگذاری نه باید توطئه گران را به حضور بپذیرند و نه از دستورها و خواسته های آنان اطاعت کنند. برعکس، اینان باید تا زمانی که به طور فیزیکی از محل کار خود بیرون رانده نشده اند به کار طبق قانون های پیشین ادامه دهند. راه دیگری نیز در پیش پای قوه قانون گذاری قرار دارد و آن این است که بعد از صدور بیانیه علیه کودتا و فراخوان دفاع مدنی، این قوه کار خود را متوقف کرده و اعضای آن به مردم بپیوندند تا در سطوح مختلف مبارزه نقش ایفا کنند.

نه خزانه دولتی و نه بانک های خصوصی هیچکدام نباید وام و اعتبار در اختیار کودتاچیان قرار دهند. در جریان کودتای آلمان در سال ۱۹۲۰ رایش-بانک از دادن پول به توطئه گران خودداری کرد. بهانه آن ها برای این کار این بود که اسم دکتر کاپ، از رهبران اصلی کودتا، در فهرست مشتریان قابل اعتماد بانک نیست. قوه قضاییه باید عمل توطئه گران و همدستان شان را غیرقانونی و بر خلاف قانون اساسی اعلام کند. دادگاه ها باید مطابق با قوانین پیش از کودتا همچنان به کار خود ادامه بدهند. آن ها باید از حمایت اخلاقی و قانونی از کودتا سرباز زده و از وضع قانون های سرکوبگرانه به نفع کودتاچیان- حتا اگر این کار به تعطیل شدنشان منجر شود- خودداری کنند.

تحت این شرایط نظم باید به وسیله فشار اجتماعی، همبستگی و تحریم های خشونت پرهیزانه حفظ شود. از دادگاه های زیرزمینی و داوری مستقل نیز می توان سود جست. همچنان که در بخش مربوط به کودتای آلمان دیدیم، دستگاه دولتی و کارپردازان اداری باید از هر گونه همکاری با توطئه گران خودداری کرده، دستورهای آنان را نادیده گرفته، به کار به شیوه سابق ادامه داده، و در امر اجرای سیاست های جدید اخلال به وجود آورند.

نیروهای انتظامی بیشترین تاثیر را زمانی خواهند داشت که با بی پروایی از پذیرش دستورهای کودتاچیان سرباز زنند و همانند سابق به کار خود ادامه دهند. اگر اوضاع قاراشمیش شود این نیروها می توانند به پیروی از دستورهای توطئه گران تظاهر کرده، اما در عمل به کم-کاری و بد-کاری بپردازند. با سرپیچی از قوانین سانسور، روزنامه نگاران و چاپگران به چاپ روزنامه، خبرنامه و نشریات ممنوع در تیراژ بالا و پایین

خواهند پرداخت. گویندگان، اخبار مربوط به مقاومت مدنی را از فرستنده های مخفی رادیویی یا از مناطق آزاد و حتا سرزمین های بیگانه پخش خواهند کرد. به عنوان نمونه، رییس جمهور دوگل و نخست وزیر دبره پیام های خود به سربازان و افسران درگیر در کودتای الجزایر را از پاریس پخش می کردند و از آنان می خواستند که از فرمان های کودتاچیان سرپیچی کنند.

تلاش کنید افراد شرکت کننده در کودتا، به ویژه ارتشیان دون پایه را قانع کنید که از فرمان های غیرقانونی سرپیچی کنند. اینان در صورتی که به شدت احساس خطر کنند، شاید دست به اقدام های ظفره جویانه زده و حتا ارتش را ترک کرده و به خیل مردم عادی بپیوندند. در گذشته مخالفان دولت های سرکوبگر تلاش کرده اند که با سربازان تحت هدایت دولت از در دوستی وارد شوند تا سربازان در رفتار خود علیه شان نرمی نشان دهند یا حتا به آنان بپیوندند. چنین تلاش هایی در مواردی موفقیت آمیز بوده اند. مخالفان کودتا باید چنین امکاناتی را بشناسند و در صورت لزوم از آن ها بهره گیرند. برآمد پرهیز از همکاری با توطئه گران و وفادار ماندن به قانون اساسی جلوگیری از مهار جامعه و دولت به وسیله رهبران کودتا است. اگر این کار صورت بگیرد، مدافعان توانایی خود را برای مقابله دراز مدت با کودتا (در صورتی که کودتا به سرعت شکست نخورد) افزایش می دهند.

مقابله با سرکوب و ارباب

اگر کودتاچیان با مقاومت قوی و سازمان یافته مردم روبرو شوند و خود را در معرض خطر ببابند به احتمال، دست به سرکوب خواهند زد. در این صورت شرایط دشواری برای مدافعان و مردم به طور کلی پیش خواهد آمد. بازداشت، زندان، ضرب و شتم، اردوگاه کار، هدف گلوله قرار دادن و اعدام ممکن است بسیار از مدافعان را از بین برده یا به آن ها آسیب برساند. با این وجود این اعمال سرکوبگرانه به خودی خود تاثیر قاطعی بر روند مبارزه نخواهد داشت مگر آنکه موجب وحشت و گردن نهی مدافعان شود. فراموش نکنیم که سرکوب کودتاچیان دلیلی برای نومیدی نیست. این کار آن ها به این می ماند که در جریان جنگ، دشمن به کشتن و مجروح کردن سربازان خودی بپردازد!

کودتاچیان از سرکوب برای خوردن مقاومت و ایجاد وحشت استفاده می کنند. ضرب امثلی چینی می گوید " مرغ را بکش تا میمون را بترسانی". با این وجود و همانطور که تاریخ نشان داده است، اگر مدافعان و مردم ارباب نشده و به مقاومت ادامه دهند، سرکوب ممکن است متوقف شود. مقاومت خشونت پرهیز را خطر تلفات سنگین تهدید می کند ولی این خطر به مراتب کمتر از خطر پیکار خشونت آمیز علیه کودتا است. پافشاری برخسونت پرهیزی امکان موفقیت مبارزه را دو چندان می کند. توطئه گران ممکن است به بی رحمی های لگام گسیخته ای مانند قتل رییس کشور یا رهبران احزاب سیاسی دست بزنند. این بی رحمی ها فقط به منظور ایجاد وحشت و اشاعه گردن نهی اعمال نمی شود. هدف دیگر آن ها به وجود آوردن خلایبی در ارکان قدرت است - خلایبی که قرار است به وسیله کودتاچیان پر شود. به همین دلیل از کارهای مهمی که باید انجام گیرد یکی در نظر داشتن جانشین برای مقام هایی است که احتمال می رود به وسیله توطئه گران به قتل برسند.

اهمیت انضباط خشونت پرهیز

از آنجا که توطئه گران می دانند که خشونت، دفاع ضد کودتایی را از توان می اندازد، دانسته و سنجیده تلاش می کنند که مدافعان را به استفاده از آن تحریک کنند. اینان ممکن است مدافعان را متهم به خشونت و یا برنامه ریزی برای استفاده از خشونت

کنند. شاید از سرکوب، به ویژه نوع خشن اش، برای تحریک مدافعان به استفاده از خشونت بهره برند. در مواردی حتی ممکن است که برای اثبات ادعای خود مامورانی مخفی را به میان گروه های مقاومت بفرستند تا مردم را به خشونت برانگیزند یا خود به اقدام های خشونت آمیز دست بزنند. همه این تلاش ها را باید خنثا کرد تا پیکار ضربه نبیند.

بنیان مقاومت ضد کودتایی، شیوه عمل خشونت پرهیز است. از ملزومات کلان استراتژیک مبارزه این است که پیکار با نظم خشونت پرهیز ترکیب شود.^{۱۵} کشتن سربازان جوان و بی اختیاری که در ارتش کودتا خدمت می کنند نه تنها هیچ سودی برای مبارزه در بر ندارد که موفقیت آن را به طور جدی به خطر می اندازد. ارتکاب خشونت به وسیله مدافعان، به ویژه ارتکاب قتل، از چند طریق به پیکار خشونت پرهیز ضربه می زند. خشونت از جانب پیکارگران به توطئه گران کمک می کند که هواداران خود و نیروهای نظامی را علیه مدافعان متحد کنند. هدف مبارزه، اعتماد ناپذیر کردن سربازان و در نهایت تهییج شان به گریز از ارتش و ترک خدمت است. استفاده از خشونت علیه آنان دستیابی به چنین هدفی را ناممکن می کند.

خشونت از جانب مدافعان همچنین بهانه به دست توطئه گران می دهد که سرکوب وحشیانه ای را - که در پی به کارگیری آن بوده اند- "توجیه" کنند. در اینحالت توطئه گران ادعا خواهند کرد که قصدشان نجات کشور از چنگال تروریسم و جنگ داخلی و برقراری "نظم و قانون" است. خشونت از جانب مدافعان صفوف آنان را تضعیف خواهد کرد چرا که بسیاری مردم از مایل به پشتیبانی یا شرکت در مبارزه ای مبتنی بر خشونت نیستند. سرکوب مدافعان خشونت پرهیز می تواند برای سرکوبگران نتیجه عکس داشته باشد. در چنین شرایطی سرکوب خشونت آمیز به واکنشی علیه قدرت سرکوبگر تبدیل می شود. به این روند "جو جیتسوی سیاسی" می گویند.

به کارگیری خشونت علیه مدافعان خشونت پرهیز آزادی می تواند به سرکوبگران از چند جهت آسیب برساند: ۱. موجب شود که مردم بیشتری به صفوف مبارزه بپیوندند و مدافعان را در پیکار خود مصمم تر کند. ۲. موجب کاشتن بذر تردید در ذهن سربازان، کارگزاران و مردم مدافع کودتا شود و آنان را به مخالفت با کودتا وا دارد. ۳. موجب مخالفت سفت و سخت تر جهانی با کودتاچیان شده، اذهان عمومی را بسیج کرده و تحریم های دیپلماتیک و اقتصادی علیه توطئه گران در پی آورد. اگر این جو جیتسوی سیاسی، اگر رخ دهد، می تواند کمک بزرگی به مبارزه باشد. با این وجود استراتژی دفاع ضد کودتایی نباید بر پایه استفاده از آن استوار شود. بنای استراتژی باید رد مشروعیت کودتاچیان و مقابله با مهار جامعه از طریق پرهیز از همکاری و مخالفت با کودتا باشد.

به طور خلاصه، خشونت پرهیز نگاه داشتن مبارزه از چند جهت اهمیت دارد: ۱. برای جلب همدردی و پشتیبانی ۲. برای کم کردن تلفات ۳. برای ایجاد بی رغبتی در میان سربازان و تشویق شان به ترک خدمت ۴. برای جذب نیروهای تازه ۵. برای به دست آوردن حمایت گسترده تر.

انضباط خشونت پرهیز از عوامل اصلی دستیابی به این هدف ها است.

پشتیبانی جهانی

فقط در موارد معدودی مانند کودتای اوت ۱۹۹۱ در شوروی و کودتای سپتامبر ۱۹۹۱ در هائیتی، جامعه جهانی به طور جدی اقدام به تهدید و تحریم اقتصادی و دیپلماتیک کودتاچیان کرده است. با این وجود در مواردی مثل مورد هائیتی، اقدام جهانی

۱۵. به جین کتاب شارپ مراجعه کنید: اقدام خشونت پرهیز، ص ۵۸۶ تا ۶۲۰

علیه کودتا ناموفق و ناموثر بوده است. آنچه در دفاع ضد کودتایی از اهمیت کلیدی برخوردار است پرهیز گسترده مردم از همکاری با کودتاچیان و مخالفت شان با قبضه قدرت به وسیله آنان است. البته پشتیبانی جهانی می تواند در یاری رساندن به پیکار ضد کودتایی موثر باشد. دولت های خارجی می توانند از به رسمیت شناختن کودتاچیان سرباز زنند و کمک های اقتصادی به آن کشور را متوقف کنند (همان کاری که آمریکا ارتباط با کودتای شوروی انجام داد). جامعه جهانی می تواند به پشتیبانی از کفایت علیه کودتا نیز بپردازد و کمک های فنی، اقتصادی و ارتباطاتی در اختیار مدافعان قرار دهد. این اقدام ها را می توان پیشاپیش برنامه ریزی کرد. ماهیت خشونت پرهیز و اعتراضی دفاع ضد کودتایی، همراهی و پشتیبانی مردمی بسیاری را در جهان موجب شده و به تبلیغ بر له آن منجر خواهد شد.

در مواردی، همدردی سیاسی موجب فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی جهانی علیه توطئه گران می شود. در کودتای اوت ۱۹۹۱ شوروی، مهمترین عامل شکست کودتا اقدام های درون-کشوری، به ویژه عدم رغبت سربازان به اطاعت از دستورها بود. با این وجود فشارهای جهانی و تهدیدهای اقتصادی نیز اهمیت داشته و تاثیرگذار بودند. این مورد نشان می دهد که در شرایط خاص، فشارهای جهانی می تواند نیروهای کودتا را ضعیف کرده و صفوف مدافعان را استحکام بخشد. با این همه در تحلیل نهایی هیچ فشار و تهدید و تحریمی به تنهایی قادر به شکست کودتا نخواهد بود و اگر مردم کشوری که در آن کودتا رخ داده مصمم به دفاع از آزادی خود نباشند، کودتا شکست نخواهد خورد.

تغییر استراتژی هنگام مبارزه

در طول مبارزه تغییر استراتژی گاه ضروری است. این کار را شاید به منظور، مثلن، مقابله با اهداف تازه کودتاچیان یا از بین بردن نقاط ضعف پیکار یا استفاده از نقطه قوت خاصی ضروری باشد. در هر حال، هدف به حد اعلا رساندن توان دفاعی مدافعان و انکار مشروعیت کودتاچیان و اشاعه پرهیز از همکاری با آنان است.

رهبران کودتا ممکن است خیلی زود دریابند که با یک دفاع گسترده مدنی طرف هستند و به این نتیجه برسند که مقابله ناممکن است و کودتا را کنسل کنند. اگر چنین نکردند نیروهای مقاومت باید تلاش های خود برای شکست آنان را دوچندان کنند. اگر حس کردید که کودتاچیان به شدت ضعیف شده اند، دست به یک سلسله اقدامات فشرده بر مبنای استراتژی انکار و رد بزنید. ولی فراموش نکنید که چنین اقداماتی می تواند تنها یک مرحله دیگر در مبارزه باشد و لزومن به سقوط کودتاچیان نیانجامد. البته این امکان هم هست که همین اقدامات ضربه نهایی را بر پیکر توطئه گران وارد آورد.

پیروزی پایدار

پیروزی در مبارزه ضد کودتایی به چند عامل مهم بستگی دارد. این عوامل از جمله شامل روحیه مقاومتان، همبستگی مردم، قدرت جامعه، توانایی مردم برای ادامه مبارزه و خشونت پرهیز نگاه داشتن آن، نقاط قوت و ضعف توطئه گران، استراتژی تهاجمی آنان، و هوشمندی استراتژی های دفاعی است. در مبارزه پیروزی از آن آنانی خواهد بود که دفاع را به یک ابزار قدرتمند سیاسی تبدیل کنند و بر پایه یک استراتژی هوشمندانه به کار گیرند. همانطور که در یک جنگ نظامی، در اینگونه مبارزه نیز به توان

درخور و قدرت دفاعی مناسب نیاز هست. همیشه این امکان هست که مدافعان آزادی و قانون اساسی شکست بخورند، همانگونه که در یک جنگ نظامی نیز امکان شکست هر یک از دو طرف وجود دارد. با این وجود نشانه‌های بسیاری حاکی از آن است که مردم مصمم به اجرای دفاع ضد کودتایی شانس بسیاری برای پیروزی با حداقل تلفات دارند. در واقع شانس اینان به مراتب بیشتر از شانس کسانی است که در مقابله به کودتا به مبارزه مسلحانه روی می‌آورند.

اگر به دفاع طولانی مدت نیاز افتاد

اگر دفاع ضد کودتایی نتواند در ظرف چند روز یا هفته اول موفق شود، باید یک طرح نوین استراتژیک در انداخت. در شرایطی اینچنین، کودتاچیان به احتمال موفق به کسب میزان اندکی از مشروعیت، پذیرش عامه، جلب همکاری مردم و مهار جامعه شده‌اند. در این صورت مبارزه از مرحله کوتاه مدت خود به مرحله دراز مدت وارد شده و در واقع به پیکاری علیه استبدادی مستقر تبدیل گشته است. در ارتباط با این گونه مبارزه ما فقط به ذکر اجمالی نکاتی چند بسنده می‌کنیم.^{۱۶} به احتمال در این گونه مقاومت نمی‌توان از استراتژی پرهیز از همکاری گسترده استفاده کرد، چرا که جامعه باید برای پیشبرد پیکار زنده بماند. در اینجا باید بر روی برنامه‌های خاصی تاکید و تمرکز کرد و تا جایی این کار را ادامه داد که توازن قدرت به نفع نیروهای مقاومت به هم بخورد و پرهیز فراگیر از همکاری ضربه‌ای کاری بر کودتا وارد آورد. دفاع دراز مدت ضد کودتایی باید دو هدف مشخص را دنبال کند. نخست، کودتاچیان نباید بتوانند به هیچ هدف مهم دیگری به جز برقراری دیکتاتوری دست یابند. نباید گذاشت که دیکتاتورها به چیرگی در حوزه‌های دیگری، مانند حوزه‌های اقتصادی، ایدئولوژیک یا سیاسی دست پیدا کنند. برای این کار باید از استراتژی "مقاومت گزینشی" یا "مقاومت در نقاط کلیدی" استفاده کرد. طبق این استراتژی، مردم پیشه‌ها و حرفه‌های مختلف فقط در موارد مهم و شرایط حاد دست به مقاومت می‌زنند.

به عنوان نمونه، پلیس باید در همان حالی که به تعقیب و دستگیری مجرمان و بزهکاران می‌پردازد، از بازداشت مدافعان آزادی سرباز زند، یا احتمال دستگیری و سرکوب شان را پیشاپیش به آن‌ها خبر دهد. معلمان باید از تدریس پروپاگاندای رژیم به دانش‌آموزان خودداری کنند. کارگران و کارفرمایان باید با استفاده از اعتصاب، تاخیر در انجام کار و اشکال‌تراشی، در کار استثمار کشور به وسیله کودتاچیان اخلال ایجاد کنند. روحانیان باید به ایراد خطبه در مورد وظیفه مردم به پرهیز از همکاری با رژیم دیکتاتوری ادامه دهند.

دومین هدف عمده دفاع دراز مدت، تلاش برای حفظ استقلال نهادهای جامعه است. حالا که دفاع ضد کودتایی به موفقیت سریعی که در پی آن بوده دست نیافته است، دیکتاتورها ممکن است تلاش کنند که نهادهای گوناگون جامعه را مهار کرده و به سکوت وادار کنند. این به ویژه در ارتباط با نهادهایی صادق است که در مرحله اول مبارزه علیه کودتا نقش داشته‌اند (ماتند دادگاه‌ها، مدرسه‌ها، اتحادیه‌ها، گروه‌های فرهنگی، جمعیت‌های حرفه‌ای، نهادهای مذهبی، و از این دست). اگر این نهادها مهار شوند، توانایی جامعه برای مقابله با کودتا کاهش می‌یابد. به همین دلیل، دفاع دراز مدت مدنی باید به گونه‌ای استوار در مقابل هر تلاشی از سوی رژیم برای مهار نهادهای جامعه ایستادگی کند. این نهادها فقط مراکزی برای محافظت و دفاع نیستند؛ آن‌ها سازمان‌های دفاعی بالقوه و بالفعل هستند که به جامعه در راه شکست دیکتاتوری کمک می‌کنند و توانایی بازگرداندن مشروعیت سیاسی

۱۶. کتاب جین شارب را ببینید: دیکتاتوری و دموکراسی: چارچوب مفهومی برای آزادی. بانکوک: کمیته اعاده دموکراسی در برمه، ۱۹۹۳ و بوستون: آنستیتو

به کشور را دارند.

مقاومت گزینشی را در اینجا به اجمال توضیح دادیم تا این گمان پیش نیاید که ناموفق بودن مرحله اول دفاع ضد کودتایی به معنی پیروزی دراز مدت دیکتاتورهاست. با این حال همه نیرو باید بر شکست سریع و کامل کودتاچیان در همان مراحل اول کار و پیش از آنکه بتوانند جای پای خود را محکم کنند، گذاشته شود.

تلاشی کودتا

ممکن است نیازی به پیکار دراز-مدت علیه دیکتاتوری نباشد. اگر مدافعان، انضباط خشونت پرهیز خود را حفظ کنند، بر پرهیز از همکاری با کودتاچیان پای فشارند و موفق شوند که تعداد قابل توجهی از شهروندان را سوی خود جلب کنند، دفاع ضد کودتایی در همان مرحله اول می تواند موفق شود. مقاومت مردمی مصمم و آماده و نهادهایشان می تواند بار سنگینی بر دوش رهبران کودتا باشد. در چنین شرایطی کودتا به هدف هایش نخواهد رسید و تلاش آن برای مهار جامعه با شکست روبرو خواهد شد. در این وضعیت کودتا مانند دستی خواهد بود که در لانه زنبور فرو شده است! روز به روز شمار مدافعان مصمم و معترض افزایش خواهد یافت و اینان پس از چندی به پیروزی پایدار علیه کودتا دست خواهند یافت.

پس از شکست کودتا، بازگشت به سیستم مبتنی بر قانون اساسی ضروری است و باید در این راه دقت و وسواس بسیار به خرج داد. این امر به ویژه زمانی اهمیت می یابد که رهبران سابق کشور به وسیله کودتاچیان به قتل رسیده باشند. اگر نه، رهبران پیشین باید به سمت های خود برگردانده شوند و قوانین قبلی دوباره به اجرا در آیند. دولت باید در جهت حل مشکلات مردمی که از سر نارضایتی به حمایت از کودتا پرداخته بودند گام های فوری بردارد. نیز جامعه و دولت باید به این مهم بپردازد که چگونه می توان روندهای دمکراتیک در کشور را بهبود بخشید.

جلوگیری از وقوع کودتا

یک سیاست ضد کودتایی خوب شامل شیوه پیشگیری از کودتا نیز می شود. اگر جامعه دفاع ضد کودتایی سازمان یافته ای داشته باشد، کودتاچیان بالقوه حساب کار خود را کرده و خواهند دانست که دست زدن به کودتا، در بهترین حالت عملی بسیار دشوار و در بدترین حالت اقدامی مذبحانه و محکوم به شکست خواهد بود. به این ترتیب کودتاچیان ممکن است که کلن فکر کودتا را از سر بیرون کنند. اگر کودتاچیان بالقوه و حتا مسئولان فعلی دولت بدانند که گردن نهادن به محدودیت هایی که قانون اساسی بر حیطه اختیار و عمل شان گذاشته با مخالفت جامعه و پرهیز گسترده مردم از همکاری با ایشان روبرو خواهد شد، به احتمال تنها به ایفای نقشی خواهند پرداخت که قانون اساسی برایشان معین کرده و مجاز دانسته است.

جلو گرفتن از کودتا به ظرفیت جامعه برای مقاومت موثر علیه آن بستگی دارد. به این دلیل تنها راه پیشگیری از کودتا، ایجاد زمینه برای مخالفت و پرهیز گسترده از مردم از همکاری با کودتاچیان است. همچنان که در دفاع نظامی، استراتژی بازدارنده لزومن ضامن موفقیت نیست. حمله، در هر حال ممکن است صورت بگیرد. اما اگر با وجود آمادگی کافی مردم برای مقاومت در مقابل کودتا، کودتایی به وقوع بپیوندد می توان به شکست سریع و قاطع آن، بدون در گرفتن جنگ داخلی، اطمینان داشت.

اولین گام در این راه مطرح کردن مفهوم "دفاع ضد کودتایی" در جامعه و بررسی موثرترین شکل های مقاومت علیه توطئه گران است. طرح و اجرای یک برنامه اطلاعاتی و آموزشی، حتا زمانی که چنین ایده ای هنوز در سطح جامعه جا نیفتاده، سودمند خواهد بود. می توان از ابزارهای ارتباطی و آموزشی مانند مقاله، گزارش در روزنامه، گردهمایی های عمومی، گروه های بحث و گفتگو، رادیو، تلویزیون، مناظره، استفاده از سخنگویان سازمان های مختلف برای ایراد سخنرانی، جزوه، کتاب و از این دست استفاده کرد.

آشناسازی مردم با مفهوم دفاع ضد کودتایی پیش شرط جلب نظر، موافقت و پشتیبانی نهادهای مدنی در جامعه و آماده ساختن خود برای دفاع سازمان یافته است. ناگفته پیداست که نمی شود از جرگه هایی که به طور بالقوه به کودتا تمایل دارند انتظار توجه و به کارگیری این برنامه دفاعی را داشت. با این حال هر چقدر که سیاست ضد کودتایی از سوی بخش ها و قشرهای بیشتری در جامعه پشتیبانی شود، امکان موفقیت آن بیشتر می شود. رویکرد فرا حزبی موجب جلب و جذب افراد و گروه های هر چه بیشتری شده و سیاست ضد کودتایی را قوی تر و صفوف مبارزه را متحدتر خواهد کرد.

به کارگیری دفاع ضد کودتایی

برای به کارگیری ظرفیت های دفاع ضد کودتایی سه راه وجود دارد: ۱. مطرح کردن مفهوم کلان استراتژی و شکل های مختلف دفاع ضد کودتایی در سطح جامعه (همانگونه که پیشتر اشاره کردیم) ۲. سازمان دادن به نهادهای مدنی در جامعه به گونه ای که آماده مقابله با خطر کودتا باشند ۳. ایجاد تغییر و تعدیل در قانون، قانون اساسی و ساختارهای دولتی به گونه ای که کودتاچیان نتوانند از آن ها سود ببرند. در بهترین حالت و بسته به امکانات و شرایط موجود، این شیوه ها باید یکی پس از دیگری یا به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار بگیرند. با این وجود می توان روند آموزش و بررسی را بدون دانستن نتیجه کار نیز آغاز کرد.

آماده سازی به وسیله نهادهای مدنی

علا رغم آسیب پذیری، بسیاری از سران دولت های دموکراتیک نه ضرورتی برای آماده کردن جامعه به منظور دفاع ضد کودتایی می بینند و نه امکان چنین کاری را مهیا می دانند. ولی چه آن ها به این مهم رسیده باشند و چه نه، دفاع ضد کودتایی اهمیت دارد و باید آن را بسط داد. اگر دولت به هر علتی دفاع ضد کودتایی را جدی نگیرد، جامعه می تواند پا پیش گذاشته و به جای دولت عمل کند. در این حالت نقش نهادهای مدنی در آماده سازی مستقیم جامعه بسیار برجسته می شود. مقوله دفاع ضد کودتایی و اصول مقاومت مدنی باید در نهادهای مختلف جامعه مطرح شده و روند تهیه مقدمات و آماده سازی به وسیله نهادهای مدنی آغاز شود. مطرح کردن مقوله دفاع ضد کودتایی به این معنا نیست که دولت فعلی بهترین دولت ممکن است و هیچ نقص و ایرادی در کارش نیست! نه! مسئله این است که دولت کودتا دولتی به مراتب بدتر از دولت فعلی خواهد بود. به همین دلیل جلوگیری از تحمیل یک دولت استبدادی و سرکوبگر پیش شرط ایجاد هر گونه تغییر و تحول مثبتی در سیستم سیاسی است. معمولن دولت هایی که هدف حمله کودتا قرار می گیرند دولت هایی هستند که از ناپسندگی های آشکار بسیاری مانند فساد

گسترده و از هم گسیختگی های اجتماعی رنج می برند. توطئه گران ممکن است که به دروغ یا صادقانه ادعا کنند که قصدشان از میان برداشتن این نابسندگی ها است و به این ترتیب از پشتیبانی مردمی قابل توجهی برخوردار شوند. با این همه، کودتا کودتا است و باید با آن مقابله کرد. فراموش نکنیم که رژیم کودتا ممکن است به فساد خاتمه نداده و به بهانه برقراری "نظم و قانون" سیستمی اقتدارگرا یا دیکتاتوری بنا کند.

استفاده از کودتا برای حل مشکلات اجتماعی نمایانگر رویکرد خطرناکی در ارتباط با تغییر سیستم حکومتی است. کودتا می تواند دقیقن خلاف آنچه را که وعده کرده عمل کند. از همه بدتر اینکه کودتای بعدی می تواند به مراتب بدشگون تر و وحشت انگیزتر از کودتای فعلی باشد. از جایگزین های ممکن برای اصلاح معضلات اجتماعی یکی سازمان دادن پیکارهای مرسوم و راه پیمایی ها و اعتراضات خشونت پرهیز محدود است. به مثابه یک شیوه غیردمکراتیک دگرگونی سیاسی، کودتا حتا زمانی که ادعای اصلاح مشکلات حاد اجتماعی را دارد، در ذات خود خطرناک است. در سیاست، هر کنشی می تواند نتایج غیرمنتظره ای به همراه داشته باشد و نیت ها و غرایض همیشه پیشاپیش با مردم در میان گذاشته نمی شود.

نهادهای غیردولتی باید مولفه های اصلی دفاع ضد کودتایی را به طور گسترده ای در سطح جامعه تبلیغ کرده و با استفاده از وسایل مختلف ارتباطی به مردم توضیح دهند. پس از این کار، این نهادها می توانند جدا جدا یا در پیوند با نهادهای مشابه به اجرای سیاست های دفاع ضد کودتایی بپردازند. آن ها می توانند این کار را به وسیله آموزش افراد در حوزه های کاری خود، تهیه مقدمات کار، آماده سازی، و تجزیه و تحلیل این امر که چگونه با کمک موکلانشان می توانند به بهترین وجه کودتا را متلاشی کنند، انجام دهند. به عنوان نمونه، افراد، گروه ها و نهادهایی که در بخش های مربوط به ارتباطات و حمل و نقل، یا در دفترهای دولتی، مراکز پلیس، نهادهای مذهبی و آموزشی و سایر بخش های عمده جامعه کار می کنند باید بیاندیشند که چگونه می شود به بهترین وجه جلو کودتا ایستاد و در همین رابطه برنامه ریزی کنند.

آماده سازی موثر برای دفاع ضد کودتایی، حتا در صورت نبود یک سیاست ملی، می تواند به بخش آموزشی و سازمان های مربوط به ساختار دولتی هم سرایت کند.

در برخی موارد، ممکن است نهادهای مدنی در برنامه آماده سازی سازمان یافته خود از کمک سازمان های دولتی، منطقه ای و استانی و همکاری پرسنل و گروه های شاغل در ساختارهای دولت مرکزی برخوردار شوند. این گونه برنامه ریزی باید بر مراکز تمرکز کند که برای توطئه گران، به لحاظ مشروعیت و مهار جامعه، از اولویت برخوردارند. این مراکز شامل دستگاه دولتی (کارپردازان اداری، بوروکرات ها، و مانند آن ها) و نیروهای نظامی و انتظامی می شود. از جمله مراکز بسیار مهم دیگر باید از روزنامه ها، رادیو و تلویزیون، تلفن، آب، انرژی و ذخیره های غذایی نام برد.

با ابتکار در امر آموزش، سازمان دهی، برنامه ریزی و آماده سازی، می توان در هر کشوری طرح های مشخص و مناسبی به منظور جلو گرفتن از کودتا ریخت. این سیاست دفاعی می تواند حتا بدون مشارکت دولت با قدرت عمل کند. اگر نهادهای مدنی قوی باشند و بخش های گوناگونی در جامعه را نمایندگی کنند می توان امید داشت که بدون مشارکت دولت نیز کودتا شکست داده شود.

اگر دمکراسی در کشور قوی باشد یا دست کم رهبران سیاسی خواهان رشد طبیعی جامعه باشند، دولت گونه ای سیاست ضد کودتایی طرح و اختیار خواهد کرد. قوه قانون گذاری و سایر بخش های دولتی به ایجاد زمینه برای آماده سازی جامعه برای مقابله موثر با کودتای احتمالی خواهند پرداخت. اقدامات دولت در این زمینه می تواند با تغییراتی در قانون اساسی، قانون های حقوقی و شکل های سازمانی دولت ترکیب شود تا راه کودتاچیان احتمالی هر چه بیشتر سد گردد. در سال ۱۹۹۷ دولت تایلند قانون اساسی خود را برای مقابله با کودتا تغییر داد. در ماده ۶۵ این قانون آمده است: "هر فرد تایلندی حق دارد که به گونه ای مسالمت آمیز در برابر اقدام به منظور قبضه غیرقانونی قدرت مقاومت کند".^{۱۷} چنین ماده ای در قانون اساسی یک کشور اهمیت بسیار دارد. با این وجود، برای موثر بودن، این ماده را باید قانون های دیگری تکمیل و پشتیبانی کنند: قانون هایی برای اجرای اصول مقاومت و آماده سازی غیردولتی مردم برای پرهیز از همکاری با کودتاچیان و مشارکت دولت در امر مطرح کردن مقوله دفاع ضد کودتایی در سطح جامعه و ایجاد زمینه برای مقاومت موثر مردمی. بزرگترین گامی که دولت می تواند بردارد آماده سازی مستقیم دستگاه دولتی برای مقابله با قبضه قدرت است. دولت می تواند دستگاه دیوانی، خدمات اجتماعی، وزارت خانه ها، بخش های اداری، پلیس و نیروهای نظامی را برای مقاومت در برابر کودتا آموزش بدهد.

وظایف تعیین شده برای دفاع ضد کودتایی باید به کارکنان دولتی، پرسنل رسانه ای، گردانندگان شبکه های ارتباطی، نیروهای نظامی و انتظامی و کارمندان دولت های مرکزی، منطقه ای و محلی ابلاغ شود. اگر این بخش های برای کودتاچیان غیرقابل استفاده گردد، دفاع مدنی به مراتب گسترده تر، موثرتر و در نتیجه کوتاه تر و کم تلافات تر خواهد شد.

وضع قانون و طرح های دیگر برای تقویت دفاع ضد کودتایی

آماده سازی دولتی ممکن است نیازمند وضع قوانینی جدید و اجرای آن ها باشد. از جمله گام هایی که می توان در این راه برداشت این ها هستند (برای اطلاع بیشتر پیرامون آماده سازی دولتی به پیوست یک مراجعه کنید، برای اطلاع پیرامون آماده سازی به وسیله نهادهای مدنی به پیوست دو):

. اضافه کردن متممی به قانون اساسی که طبق آن شهروندان از حق مقاومت در برابر کودتا برخوردار باشند. همین ماده باید شهروندان را از حق مشروع شمردن کودتا محروم کند.

. تصویب قانونی که همه نیروهای نظامی و انتظامی را موظف به پرهیز از همکاری با کودتاچیان کند.

. تصویب قانونی که همه کارمندان دولت را موظف به پرهیز از همکاری با کودتاچیان یا گردن نهی به دستورات آنان کند.

در صورت رخداد کودتا کارمندان دولت موظفند که به انجام وظایف خود مطابق با قانون ها و آیین نامه های قانونی ادامه دهند.

. تصویب قانونی که همه پرسنل بخش های ارتباطی، رسانه ای و ترابری کشور را موظف به پرهیز از همکاری با کودتاچیان یا انتقال فرمان های رهبران کودتا کند.

۱۷. قانون اساسی کشور پادشاهی تایلند. می توانید برگردان دقیق این قانون به انگلیسی را در این جا پیدا کنید:

. تصویب قانونی که همه نهادهای خصوصی و دولتی کشور را موظف به پرهیز از هر گونه ارتباط مالی با کودتاچیان کند.
. دولت قانونی، پیش از آغاز بحران از همه سازمان های جهانی و دولت های بیگانه خواهد خواست که در صورت وقوع کودتا، تنها آن دولت را به رسمیت شناخته و از برقراری هر گونه رابطه ای با توطئه گران خودداری کنند.
. در صورت وقوع کودتا، افراد و نهادهای دولتی اجازه دارند از رهبران اخلاقی و دینی کشور بخواهند که کودتا را محکوم کرده و از پیروان آن ها تقاضای پرهیز از همکاری با رژیم غیرقانونی را نمایند.
. دولت قانونی می تواند به آماده کردن طرحی برای ادامه کار دولت در صورت وقوع کودتا و دستگیری یا اعدام مقامات دولتی بپردازد.

. قوه قانون گذاری می تواند طرح هایی برای از سرگرفتن کار دولت پس از شکست کودتا تنظیم کند.
. قوه قانون گذاری می تواند از سازمان ها و نهادهای آموزشی بخواهد که به بسط طرح هایی برای آموزش شهروندان پرداخته و به آنان در رابطه با وظیفه و حق شهروندی خود (در پرهیز از همکاری با کودتاچیان) تعلیم دهد.

در همه این برنامه ها باید بر روی ماهیت خشونت پرهیز مقاومت تاکید شود. باید به گونه ای روشن توضیح داد که هیچکس نباید به اعمال خشونت علیه شهروندان حامی کودتا دست بزند. همچنین باید به مجازات قانونی همکاران و همدستان کودتا اشاره کرد.

سایر شکل های آماده سازی

سوی این نوع آماده سازی و در کنار مطرح کردن کلیات دفاع ضد کودتایی در سطح جامعه، چندین گونه آماده سازی دیگر نیز وجود دارد: به عنوان نمونه، می توان به سازمان دادن مانورهای آموزشی پرداخت و با این کار به مردم شیوه های مقابله مدنی با کودتا را آموخت. این مانورها را می توان در مناطق مسکونی، دفاتر کارخانه ها، شهرها، استان ها و در سراسر کشور سازمان داد. برای سازمان دادن موثر این مانورها باید از آمادگی فنی برخوردار بود. برای مقابله با کودتاچیان، پس از آنکه اینان مراکز کلیدی را تصرف کرده و امکانات و تجهیزات رسانه ای (روزنامه های اصلی و رادیو تلویزیون) را مصادره نمودند، به ساز و برگ و تدارکات نیاز خواهد بود. باید وسایل چاپ زیرزمینی روزنامه و جزوه و پخش رادیویی را فراهم نموده و برای استفاده در مواقع اضطراری پنهان نمود. باید پیشاپیش اقدام به یافتن مکان های مناسب در خاک کشورهای دوست برای براه اندازی ایستگاه های رادیویی یا تاسیس چاپخانه کرد.

دست آورد دفاع ضد کودتایی

هدف سیاست دفاعی علیه کودتا، حفظ دولت مبتنی بر قانون اساسی است. این کار از چند طریق صورت می گیرد:
جلوگیری از تحمیل دولتی پایدار به وسیله کودتاچیان، غیرقابل مهار کردن جامعه برای آنان و قادر کردن مردم به مهار و هدایت جامعه پس از کودتا. وظیفه حفظ دولت قانونی بر دوش تک تک اعضای جامعه قرار دارد. این مردم هستند که می توانند آزادی های خود را حفظ کرده، گسترش داده و به بهبود وضع کشور بپردازند.

سیاست دفاع ضد کودتایی ویژگی های مثبت بسیاری در بر دارد. این سیاست مبتنی بر خواست و اراده مردم است، نه گلوله و بمب. سیاستی است مبتنی بر نهاد، نه تکنولوژی نظامی. این سیاست به آزادی خدمت می کند، نه به جنگ داخلی و دیکتاتوری. سیاست دفاع ضد کودتایی، اگر به طور گسترده در سطح جهان مورد استقبال قرار بگیرد، سهم بزرگی در از میان برداشتن خطر کودتا به مثابه یکی از بزرگترین مشکلات سیاسی جهان خواهد داشت. این سیاست، استقرار دیکتاتوری های تازه را محدود کرده و استبداد را در جهان کاهش خواهد داد. این سیاست، سیاست دفاع خلاقانه و مبتنی بر قدرت مردم است تا اینان حتا در بحرانی ترین شرایط نیز حاکمان سرنوشت خود باقی بمانند. دست آوردهای چنین سیاستی بسیار ژرف است.

وضع قانون و سایر آماده سازی های دولتی برای مقابله با کودتا

به منظور مقابله با کودتا دولت می تواند دست به آماده سازی های مهمی بزند. در این راه وضع قوانین جدید و اجرای آن ها ممکن است ضروری باشد. در همه قانون ها و حکم های تازه باید به صراحت به این مهم پرداخت که مدافعان آزادی حق به کارگیری خشونت علیه هموطنانی که از کودتا حمایت می کنند یا در آن مشارکت دارند را ندارند. مواد و روندهای قانونی زیر برای رسیدن به این هدف توصیه می شود:

۱. اضافه کردن ماده ای به قانون اساسی که طبق آن هیچ یک از افراد جامعه (در هر نقش و مقامی) حق به رسمیت شناختن و مشروع دانستن کودتا و وابستگی را ندارد. شهروندان باید مصرانه در انجام وظایف روزمره خود پای فشارند، و در همان حال که با توطئه گران مقابله می کنند از یاری به هموطنان و هموعان خود دریغ نورزند.

۲. قانون های مشخصی باید کارکنان دولت در سطوح استانی، منطقه ای و ملی را موظف به پرهیز از همکاری با کودتاچیان کرده، از آنان بخواهد که بر مبنای قوانین پیشا کودتایی به کار ادامه دهند. این افراد به لحاظ قانونی موظف خواهند بود که از هر گونه همکاری با افراد و گروه های وابسته به کودتا پرهیزند. هدف از این کار همانا جلوگیری از آن است که کودتاچیان پشتیبانی اجرایی دریافت کنند.

۳. قانون های مشخصی باید برای به اجرا درآوردن این ماده قانون اساسی وضع شود. این ماده همانطور که پیشتر به اختصار گفتیم، نیروهای نظامی و انتظامی را موظف به ادای سوگند وفاداری به قانون اساسی و دولت قانونی و امتناع از شرکت در هر گونه توطئه ای برای قبضه قدرت می کند. در صورت وقوع کودتا این نیروها موظف خواهند بود که از اطاعت کردن، خدمت کردن یا همکاری کردن با کودتاچیان پرهیزند. نیروهای انتظامی و اعضای قوه قضایی در همه سطوح تنها موظف به پیروی از قانون ها و روندهای قانونی پیشین (پیش از کودتا) خواهند بود. آن ها موظف به نادیده گرفتن هر گونه حکم و فرمانی (اعلام یا ابلاغ شده) از سوی توطئه گران هستند. از وظایف اینان، به طور مشخص، هشدار به افرادی است که احتمال می دهند به وسیله عمال کودتا دستگیر شوند. آنان همچنین باید از شناسایی و یافتن مکان مدافعان میهن دوست که در کار مقابله جمعی و فردی با کودتا هستند، پرهیزند. مقاومت نیروهای انتظامی می تواند آشکار یا پنهان باشد. مقاومت پنهان به این معناست که پلیس تظاهر به پیروی از دستورات کند اما در عمل از انجام آن ها سرباز زند. به عنوان نمونه، پلیس می تواند ادعا کند که شناسایی و دستگیری فرد مورد پیگرد برایش ناممکن بوده است. اگر وظیفه پراکنده کردن تظاهرات کنندگان به عهده پلیس واگذار شود یکی از این دو کار را می توان کرد: یا ایستاد و شاهد منفعل تظاهرات بود و یا به تظاهر کنندگان پیوست. تحت هیچ شرایطی پلیس نباید به ابزاری در دست کودتاچیان تبدیل شود.

۴. سواى مقاومت در برابر توطئه گران، نیروهای انتظامی باید در صورت امکان به مدافعان یاری رسانند. در گذشته، در جریان نهضت های مقاومت، نیروهای انتظامی از خودروهای خود برای حمل روزنامه ها و نوشته های نیروهای مقاومت به مکان ها و مناطق مورد نیاز استفاده کرده اند.

۵. سربازان و نیروهای نظامی نباید اجازه دهند که به ابزاری در دست غاصبان قدرت بدل شوند. این کار آسانی نیست، چرا که

کودتا به وسیله بلندپایگان نهادی که اینان خود از اعضای آنند صورت گرفته است. اگر مثلن سازمانی سیاسی تصمیم به قبضه قدرت گرفته بود و از ارتش یاری خواسته بود، مقاومت و پرهیز از همکاری می توانست به مراتب راحت تر باشد. همان طور که در مورد نیروهای انتظامی دیدیم، نیروهای نظامی نیز باید از یکی از چند امکانی که برای مقاومت در اختیار دارند، بهره برند. به عنوان نمونه آن ها می توانند در برخورد با تظاهرات خیابانی نرم رفتار کرده یا هنگام دریافت دستور آتش گشودن به روی تظاهرکنندگان، تیرهای هوایی یا تیرهایی که به فاصله از بالای سر مردم رد شود، شلیک کنند. سربازان همچنین می توانند واحدهای خود را تشویق به سرپیچی از فرامین توطئه گران کنند یا دست به عمل خطرناک اعتراض غیرمسلحانه علیه افسران کودتاجی بزنند. مقاومت آشکار سربازان علیه کودتاجیان به احتمال زیاد عملی بسیار خطرناک خواهد بود، چرا که مجازات سرپیچی و تمرد در ارتش غالباً اعدام است. به همین دلیل شیوه های غیرمستقیم سرپیچی از دستور و یاری رساندن به مدافعان شاید معقول تر و موثرتر باشد.

۶. قانون های مشخصی باید کارگران و کارمندان شبکه های ارتباطی و سازمان های وابسته به آن ها را به وفاداری به دولت قانونی و تنها دولت قانونی موظف کند. این بدین معناست که در صورت وقوع کودتا، این افراد قانونن موظف به ایستادگی در برابر سانسور کودتاجیان و پرهیز از چاپ اعلانیه ها و حکم ها یا برآوردن دیگر خواسته های غیرقانونی آنانند. اگر ابزار و شبکه ارتباطاتی، چاپی و رسانه ای (صدایی/سیمایی) به وسیله کودتاجیان قبضه یا غیرقابل استفاده شده باشد، کارگران، کارشناسان، کارمندان و مدیران شبکه ارتباطی و شهروندان مسئول اند که به ایجاد ابزار و وسایل ارتباطی جدیدی خارج از حیطه مهار کودتاجیان پردازند.

۷. همه افراد یا گروه هایی که در هر سطحی به کار دولتی اشتغال دارند موظفند که در صورت وقوع کودتا به کار بر طبق قوانین و آیین نامه های پیشین ادامه داده و هر گونه حکم، دستور، راهکار یا رهنمودی را از سوی توطئه گران نادیده بگیرند. کارکنان دولت می توانند در محیط کار به مقاومت ادامه دهند. اگر سرکوب شدیدی علیه آنان اعمال شد، اینان می توانند اعتصاب کرده یا حتا "غیب" شوند. ماشین دولتی نباید به وسیله ای در دست توطئه گران برای مهار جامعه تبدیل شود.

۸. قانون های مشخصی باید افراد و گروه های وابسته به سیستم حمل و نقل را موظف به رد هر گونه دستوری از جانب توطئه گران کند. این افراد و گروه ها باید تلاش ورزند که سیستم حمل و نقل را برای کودتاجیان غیرقابل استفاده کرده و در عوض از آن برای کمک به دفاع ضد کودتایی بهره گیرند.

۹. قانون های مشخصی باید سازمان های مالی، بانک ها، نهادهای تجاری و همچنین اتحادیه های کارگری و نهادهای مشابه را موظف به رد هر گونه رابطه مالی با توطئه گران کند.

۱۰. پیش از وقوع کودتا، دولت باید از تمام کشورهایی که با آن ها روابط دیپلماتیک دارد و همچنین همه سازمان ها و نهادهای جهانی از جمله سازمان ملل بخواهد که در صورت رخداد کودتا، از ایجاد هر گونه رابطه عادی اقتصادی-سیاسی با کودتاجیان خودداری ورزیده و تنها دولت قانونی را به رسمیت بشناسند.

۱۱. قوه قانون گذاری، وزارتخانه ها و بخش های دولتی باید به برنامه ریزی های مشخص پردازند تا در صورت تصرف ساختمان های دولتی به وسیله کودتاجیان و دستگیری یا اعدام مقامات و نمایندگان دولتی، کار در سطح مدیریت ادامه پیدا کند.

۱۲. قوه قانون گذاری باید پیشاپیش در ارتباط با از سرگیری دوباره کار دولت (پس از شکست کودتا) برنامه ریزی کند. هیچ گروه توطئه گر دیگری نباید اجازه یابد که در طول دوره گذار، اراده خود را بر مردم و جامعه تحمیل نماید. چون احتمال قتل مقامات دولتی در جریان کودتا می رود، ماده یا موادی در قانون باید به نحوه انتخاب/انتصاب افراد جایگزین پردازد.

۱۳. قوه قانون گذاری باید، پیش از وقوع کودتا، از همه نهادها، سازمان و انجمن های مستقل، به ویژه نهادهای آموزشی بخواهد که به کار آموزش اعضای خود و شهروندان در ارتباط با مقابله با رژیم کودتا و پرهیز از همکاری با آن بپردازند.
۱۴. قوه قانون گذاری می تواند به وضع قانون هایی در مورد همدستان کودتا پرداخته، آنان را از هر گونه سود پایدار مالی در نتیجه مشارکت شان در کودتا یا امکان دستیابی به سمت های دولتی محروم کند.
۱۵. قوه قانون گذاری باید مجازات های دیگری نیز برای کودتاچیان و همکاران آن در نظر بگیرد. این مواد قانونی باید به عنوان عوامل بازدارنده عمل کنند و پشتیبانان احتمالی کودتا را به عوض کردن خط و پیوستن به صفوف دفاع ضد کودتایی تشویق نمایند.

آماده سازی به وسیله جامعه مدنی برای دفاع ضد کودتایی

اگر نهادهای مدنی جامعه بتوانند در برابر قبضه غیرقانونی قدرت مقاومت کنند، احتمال رخ دادن کودتا کمتر، و احتمال شکست خوردن آن بیشتر می شود. مقاومت ضد کودتایی به وسیله نهادهای غیردولتی، سازمان های آموزشی، اقتصادی و ارتباطاتی، نهادها و موسسه های مذهبی و ماتند این ها سازمان داده شده و به اجرا در می آید. این مقاومت یا با کمک و همیاری سازمان یافته دولت به مرحله عمل می رسد، یا تنها با مشارکت شهروندان. در هر حال، آماده سازی مردم برای دفاع ضد کودتایی، کودتاچیان بالقوه را به فکر فرو برده و از عاقبت کار می ترساند. با این وجود اگر اگر کودتاچیان جرئت کرده و باز اقدام به کودتا کنند، آماده سازی، توانایی جامعه مدنی را برای مقابله با آنان شدت افزایش می دهد. آماده سازی مدنی را می توان به طور عام به پنج دسته تقسیم کرد:

۱. آموزش عمومی ۲. رسانه ها ۳. احزاب و سازمان های سیاسی ۴. نهادهای مذهبی ۵. گروه ها و موسسه های دیگر.

۱. آموزش عمومی

وظیفه نهادهای غیردولتی، آموزش اعضا و شهروندان پیرامون شیوه های موثر دفاع ضد کودتایی و راه های پرهیز از همکاری با توطئه گران و مقاومت در برابر آنان است. هدف، ناممکن کردن مهار غیرقانونی جامعه و حکومت بر آن است. این وظیفه همه نهادهای مدنی است که به اعضای خود پیرامون دفاع ضد کودتایی آموزش دهند. با این همه برخی نهادهای مشخص توانایی ویژه ای برای ارتباط گیری با مردم و انجام این کار دارند. این نهادها شامل سیستم رسمی آموزشی و روزنامه ها، رادیو و تلویزیون، اینترنت و سینما می شود. محتوای سیاسی این آموزش حول دو محور می گردد: ۱. اهمیت انکار مشروعیت توطئه گران و ۲. اهمیت مخالفت و پرهیز از همکاری با آنان تا نتوانند حکومت خود را مستقر کرده، حفظ نمایند. سوای دادن رهنمودهای مستقیم و مشخص پیرامون دفاع ضد کودتایی، می توان از فیلم های مستند و داستانی راجع به موارد پیشین مقاومت علیه کودتا نیز استفاده کرد. اطلاع رسانی پیرامون نتایج و عواقب عدم مقاومت در برابر کودتا در سایر کشورها نیز می تواند مهم باشد. مردم باید پیرامون ویژگی های خشونت پرهیز مبارزه، شیوه های گوناگون آن، و نحوه انجام آن آموزش ببینند. در مواردی می توان از تظاهرات خیابانی برای ابراز مخالفت با قبضه غیرقانونی قدرت سود برد. با این حال نباید فراموش کرد که در بسیاری مواقع راه پیمایی به سوی تفنگ های کودتاچیان عملی بسیار ناهوشمندانه است. چنین اقدامی نه تنها ممکن است به تلفات سنگین مدافعان منجر شود که می تواند بذر وحشت از توطئه گران را نیز در ذهن مردم بکارد و آنان را به تسلیم وادارد. به همین دلیل باید مردم را پیش از آغاز بحران پیرامون شیوه های کم خطرتر ولی به همان اندازه موثر و قدرتمند اعتراض آگاهی داد. به عنوان نمونه، اگر ساکنین مناطق شهری در دوره های مشخصی در خانه، مدرسه و ساختمان هایی مانند آن بمانند و از رفت و آمد خودداری کنند، خیابان ها خالی شده و کودتاچیان قادر به کشتن مردم نخواهند شد. فراموش نکنیم که خیابان های خالی نیز می توانند نشانی از اعتراض به کودتا باشند.

۲. رسانه ها

کارکنان و کارمندان رسانه ای- روزنامه نگاران، ویراستاران نشریه ها، گزارشگران و مدیران رادیو و تلویزیون، اتحادیه های نشر و چاپ، کارگزاران ارتباطی و مانند این ها می توانند پیشاپیش به برنامه ریزی برای مقابله با کودتا بپردازند. این برنامه ریزی باید

شامل شیوه های درافتادن با سانسور کودتایی و راه های انتقال پیام های دولت قانونی به مردم بشود.

گذشته از این، پرسنل رسانه ای باید طرحی برای ادامه کار (در صورت از دست دادن مراکز عملیاتی خود یا اجبار به زندگی مخفی) داشته باشند. اگر کودتاچیان دستگاه رسانه ای در کشور را مهار کنند، اتحادیه های نشر و چاپ، گردانندگان رادیوها و افرادی در سمت های مشابه می توانند نقص فنی را بهانه قرار داده و از عمل به دستورهای کودتاچیان سر باز زنند.

می توان به بسط طرح هایی برای ایجاد یک شبکه زیرزمینی چاپ و پخش رادیویی نیز پرداخت. باید امکان پخش رسانه ای از کشورهای همسایه را نیز مد نظر داشت و در راه ایجاد زمینه برای استفاده از آن کوشید. این اقدام ها توانایی کودتاچیان را برای کسب مشروعیت و مجبور کردن مردم به گردن نهی به شدت محدود خواهد کرد- چرا که رهبران کودتا قادر به مهار اطلاعاتی جامعه نبوده و مدافعان مدنی می توانند آنچه را که می خواهند به گوش مردم برسانند.

۳. احزاب و سازمان های سیاسی

احزاب سیاسی و نهادهای غیرحزبی که متعهد به پیشبرد برنامه ها و هدف های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود هستند باید تلاش ورزند که اعضای خود و شهردان را پیرامون اهمیت و شیوه های دفاع ضد کودتایی آموزش دهند. ارتباطات سازمانی و میان-سازمانی این احزاب و نهادها می تواند کمک بزرگی به انتقال و پخش فراگیر رهنمودهای مربوط به مقاومت و دفاع ضد کودتایی باشد.

۴. نهادهای مذهبی

رهبران اخلاقی و مذهبی جامعه باید به پیروان خود بگویند که کودتا عملی غیراخلاقی و غیرقانونی است و هنجارهای اخلاقی اینان را نقض می کند. آنان همچنین باید از پیروان خود بخواهند که مشروعیت کودتا را انکار کرده، به دفاع ضد کودتایی پیوسته و از همکاری با کودتاچیان پرهیز نمایند.

۵. گروه ها و نهادهای دیگر

اعضا و مسئولان گروه ها و موسسه های دیگر جامعه نیز می توانند در جلوگیری از مهار کار خود به وسیله کودتاچیان نقش ایفا کنند. به عنوان نمونه، افراد شاغل در سیستم حمل و نقل، بخش های اقتصادی، رسانه های گروهی، ارتباطات، نهادهای مذهبی و بخش های خدماتی جامعه باید به اجرای سیاست پرهیز از همکاری با کودتاچیان بپردازند و استقلال خود را حفظ کنند.

از اقدامات بسیار مهم در اینجا می تواند جلوگیری از مهار داخلی این نهادها و سازمان ها به وسیله کودتاچیان یا همدستانان باشد. کودتاچیان ممکن است تلاش کنند که این گروه ها و موسسات را نابود کرده و سازمان هایی مطیع خود را جایگزین نمایند. این تلاش ها را باید نافرجام گذاشت. شهروندان و نهادهای غیردولتی باید به آماده سازی خود پرداخته و در صورت وقوع کودتا دست به عمل بزنند. عمل ضد کودتایی می تواند مطابق با برنامه های مقاومت ضد کودتایی دولت باشد و یا، همانطور که پیشتر گفتیم،

مستقل از مشارکت دولت، تنها به وسیله مردم و نهادهای آنان طرح ریزی شده باشد. گروه ها و موسسه هایی که در بخش های مهم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و صنعتی به کار یا مدیریت مشغول اند از دانش مهارت های بیشتری نسبت به تئوریسین های پیکار برای انتخاب بهترین شیوه های اعتراض و پرهیز از همکاری با کودتاچیان برخوردارند. بگذارید با چند مثال موضوع را روشن کنیم:

. کارکنان شبکه حمل و نقل مانند رانندگان کامیون، کارگران راه آهن یا کارمندان خطوط هوایی به احتمال از دانش و مهارت به مراتب بیشتری نسبت به پرسنل دولتی برای فلج کردن سیستم حمل و نقل و غیرقابل استفاده نمودن آن برای کودتاچیان برخوردارند. اینان همچنین مهارت بیشتری برای رساندن مواد غذایی و تدارکات به نقاط مورد نیاز (علا رغم از کار افتادگی بخشی از سیستم حمل و نقل در نتیجه کودتا و مقاومت) دارند.

. در بخش ارتباطی، مادامی که تلفن های همراه و سیستم ایمیل کار می کند می توان اطلاعات مربوط به طرح های دفاعی را پخش کرده، دست به ابتکارات دفاعی زده و پیرامون مهار جامعه به وسیله کودتاچیان و موقعیت مبارزه، به شهروندان گزارش داد. ابزار یدکی و پنهان شده پخش رسانه ای می تواند برای دفاع مدنی بیرون آورده شود و حتا در صورت تصرف ساختمان های دولتی و ایستگاه های رادیو تلویزیونی مورد استفاده قرار گیرد.

. کارگزاران حکومتی می توانند در دفترهای خود (حتا در صورت پیوستن مدیرانشان به کودتا) به کار ادامه دهند. سوای اعتراض آشکار به کودتا، این ماموران می توانند به صورت پنهان و غیرمستقیم نیز با کم کاری، کند کاری، بایگانی غلط پرونده ها و اقدامات غیرتحریک آمیزی از این دست به محدود کردن دامنه مهار کودتاچیان کمک کنند.

. اتحادیه های کارگری می توانند از دستورات کودتاچیان برای مهار فعالیت های اقتصادی سر باز زده و بی اعتنا به گفته های آنان یا وزیران دولت تحمیلی یا همدستان کودتا، فعالیت های "ممنوعه" ی خود را ادامه دهند. روزهای ویژه ای که برای احترام به افراد، رویدادها و ارزش های خاص ملی در نظر گرفته شده اند باید علا رغم مخالفت کودتاچیان بزرگ داشته شوند. در صورت لزوم می توان روزهای جدیدی برای بزرگداشت قربانیان و وقایع مهم ضد کودتایی به این تقویم اضافه کرد.

قدردانی و سپاس

ما سپاسگذار گنزالو آریاس بابت اجازه دانش به ما برای استفاده از ترجمه انگلیسی کتاب پیشگام او به نام *Antigolpe El* (چاپ ۱۹۸۲) هستیم. خوانندگان اسپانیایی زبان از خواندن این کتاب بهره ها خواهند برد ۱۸.

انستیتو آلبرت انشتین از بنیاد آرکا بابت بورسی که برای چاپ این کتاب و کتاب های دیگر مربوط به پیکار خشونت پرهیز در اختیار این نهاد گذارده تشکر می کند. از هاردی مریمین در انستیتو انشتین به دلیل نظرات مشورتی و پیشنهادهای سودمندش، مهارت های ویراستارانه اش و مدیریت اش در چاپ این کتاب سپاسگذاری می شود. به احتمال، مهمترین سپاس و قدردانی ما باید شامل حال افرادی شود که طی سال های گذشته، بدون هیچ طرح قبلی و برنامه کمکی، دفاع ضد کودتایی در کشورهایی مانند آلمان، فرانسه، اتحاد شوروی و تایلند را بالبداهه سازماندهی کرده و هدایت نموده اند. آنان ثابت کرده اند که چنین دفاعی ممکن است و می تواند موفقیت آمیز باشد.

کتاب های پیشین جین شارپ در همین رابطه، در پاناما، ونزوئلا، ال سالوادور، هائیتی و تایلند با استقبال بسیار روبرو شده اند. جین

شارپ در سال ۱۹۹۲ در کمیته امور داخلی مجلس تایلند سخنانی ایراد کرد. پیش از آن، وی و بروس جنکینز در یکی از کمیته های شورای عالی اتحاد شوروی (شورا) سخنانی مشابه ایراد کرده بودند.

یک نسخه قدیمی از متن اصلی همین کتاب به نام علیه کودتا: راهنمای جلوگیری موثر از کودتا شکست آن (جین شارپ و بروس جنکینز) قبلن به وسیله اتحادیه جهانی حقوق بشر فتوکپی شده و در سال ۱۹۹۴ در نیویورک پخش شده بود. همان نسخه در اینجا با بسط و پیوست برای اولین بار به چاپ می رسد.

۱۸. Gonzalo Arias, *El Antigolpe: Manual para una respuesta noviolenta a un golpe de Estado*.

Con un comentario de Fernando Savater y una contribución de Adam Roberts.

ولز مالاگا، اسپانیا، آهیمسا، چاپ چهارم. ایمیل:

ahimsa@arrakis.es

نکته ای پیرامون برگردان و بازچاپ این کتاب

برای کمک به پخش این کتاب، ما آن را به رایگان در دسترس عموم قرار داده ایم. این بدین معناست که هر کسی اجازه بازتولید یا پخش آن را دارد. با این وجود، نویسندگان کتاب چند درخواست دوستانه دارند - و این درخواست ها را با آگاهی به این امر که کسی قانونن مجبور به پذیرش آن ها نیست، با خوانندگان در میان می گذارند.

. نویسندگان کتاب خواهشمندند که در صورت بازچاپ، هیچ تغییری در متن کتاب، چه به صورت حذف و چه اضافه، صورت نگیرد.

. نویسندگان کتاب خواهشمندند که کسانی که مایل به بازچاپ و بازتولید این کتاب اند نویسندگان را در جریان قصد خود بگذارند. برای این کار اینان می توانند با انستیتو آلبرت انشتین تماس بگیرند (آدرس انستیتو در آغاز کتاب، قبل از فهرست، آمده است).

. نویسندگان کتاب خواهشمندند که مترجمان بیشترین دقت را در برگردان محتوای کتاب به کار برند. برخی دانشواژه ها، مانند اقدام خشونت پرهیز، به آسانی ترجمه پذیر نیستند. به همین علت در برگردان آن ها باید دقت و ظرافت بسیار به کار برد تا خواننده بتواند معنی آن ها را به روشنی دریابد. برای کمک به مترجمان کتاب، انستیتو آلبرت انشتین، راهنمایی مربوط به ترجمه تهیه کرده است. طبق این راهنما چند کار صورت می گیرد:

۱. طی روندی مترجمی مناسب انتخاب می شود. داوطلبان بر پایه سلاست زبانی (در انگلیسی و زبان مقصد) محک خورده و انتخاب می شوند. در این روند همچنین دانش اینان پیرامون پیکار خشونت پرهیز و دانشواژه ها و مفهوم های مطرح شده در کتاب سنجیده می شود.

۲. در روندی مشابه یک ویراستار نیز انتخاب می شود. وظیفه ویراستار محک زدن ترجمه و ارائه نظر مشورتی/پیشنهادی به مترجم است. اگر که مترجم و ویراستار یکدیگر را نشناسند و در مورد هویت یکدیگر چیزی ندانند نتیجه بهتری به دست خواهد آمد.

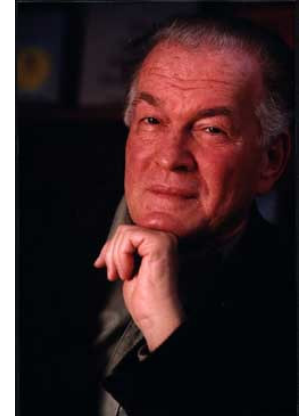
۳. وقتی که مترجم و ویراستار انتخاب شدند از مترجم خواسته می شود که متنی دو یا سه صفحه ای را همراه با فهرستی از دانشواژه های اصلی مربوط به کار ترجمه کند.

۴. ویراستار، متن ترجمه شده را ویراستاری کرده و نظرات خود پیرامون آن را با مترجم در میان می گذارد.

۵. اگر اختلاف نظر بین مترجم و ویراستار زیاد بود، یکی از آن دو - بسته به نظر صاحب یا صاحبان پروژه- عوض می شود اگر اختلافات جزئی و کوچک باشد، مترجم، با در نظر گرفتن نظرات ویراستار، به ترجمه کامل متن می پردازد.

۶. وقتی که همه متن ترجمه شد، ویراستار به ویراستاری کار پرداخته و نظرات خود پیرامون آن را در اختیار مترجم قرار می دهد.

۷. مترجم به نظرات ویراستار توجه کرده و تغییرات ضروری را در متن می دهد. پس از این مرحله کتاب آماده چاپ و پخش خواهد بود.



جین شارپ (دکترای فلسفه)، از دانش پژوهان ارشد انشتیتو آلبرت انشتین در بوستون است. او دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه دولتی اوهایو و دکترای تئوری فلسفی از دانشگاه آکسفورد می باشد. او همچنین استاد شاینده علوم سیاسی در دانشگاه دارت ماوت ماساچوست است. در سی سال گذشته او با سمت پژوهشگر در مرکز امور بین المللی در دانشگاه هاروارد به کار مشغول بوده است.

شارپ نویسنده کتاب های متعددی از جمله کنش بی خشونت (۱۹۷۳)، قدرت اجتماعی و آزادی سیاسی (۱۹۸۰)، تبدیل اروپا به قاره ای تسخیرناپذیر (۱۹۸۵)، دفاع غیرنظامی (۱۹۹۰) و از دیکتاتوری تا دموکراسی (۱۹۹۳ و ۲۰۰۲) است. کتاب مهم تازه ای از او اکنون در حال آماده شدن برای انتشار است: دست زدن به پیکار خشونت پرهیز: نمونه های قرن بیستمی و امکانات قرن بیست و یکمی (۲۰۰۳). نوشته های او به بیش از سی زبان ترجمه شده اند.

بروس جنکینز مدیر سیاست گزاری در مرکز اطلاعاتی بانک در واشنگتن دی سی است. او بین سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ مدیر اجرایی انشتیتو آلبرت انشتین و معاون مدیر در امور برنامه ریزی و توسعه در همین موسسه بود. جنکینز دارای مدرک کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه نیو همپشایر و دیپلم علوم سیاسی و روابط بین المللی (با تمرکز بر تحریم های بین المللی اقتصادی) از دانشگاه آزاد برلین است. او تجربه بسیاری در همکاری با سیاست گزاران و گروه های جامعه مدنی دارد. وی در ارتباط با روند خشونت پرهیز دموکراتیک کردن جامعه در جلسه های مشاوره، کارگاه ها و ماموریت های حقیقت یابی در چین، سوئد، روسیه و جمهوری های بالتیک شرکت کرده است.

مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی خشونت یک مرکز مجازی است که شبکه ای برونمرزی شامل پژوهشگران، مترجمان، نویسندگان و کوششگران مدنی در آن گرد آمده اند. هدف مشترک این گروه ترویج و آموزش کنش بی خشونت به عنوان مؤثرترین راه برای ایجاد تغییر اجتماعی است. برای اطلاع بیشتر به سایت ما در اینترنت رجوع نمایید.

www.bikhoshoonat.net